



## Representation of Reading-Related Elements in Compiled and Translated Adult Fictions from 2011 to 2016

Maryam Sadat Parastezad 

M.A. Student of Knowledge and Information Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: [m.parastezad@modares.ac.ir](mailto:m.parastezad@modares.ac.ir)

Atefeh Sharif 

\*Corresponding author, Assistant Professor of Knowledge and Information Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: [atefeh.sharif@modares.ac.ir](mailto:atefeh.sharif@modares.ac.ir)

Mohammad Hassanzadeh 

Professor of Knowledge and Information Science, Tarbiat Modares University, Tehran, Iran. E-mail: [hasanzadeh@modares.ac.ir](mailto:hasanzadeh@modares.ac.ir)

### Abstract

**Objective:** The purpose of this paper is to determine the quality of the reading-related elements' representation in fictions published in Iran between 2011 and 2016.

**Methodology:** Descriptive content analysis was carried out for thirty-four of the highest print run titles, both original and translated into Persian. These books have been selected among Persian and translated fictions to encoding reading elements such as: reading, studying, book, bookcase, library, librarian etc. To get the quality of the reading-related elements presented in works, some questions were answered while reading the fictions: 1) What reading elements are in the story? 2) Which books had deep references to reading elements? And does the mentioned element play an effective role in shaping the story? 3) Do characters such as librarians, booksellers, etc. have a positive or negative aspect? Reliability approved by two literature professors and faculty members of Knowledge and Information science. To achieve stability, the agreement between coders was calculated.

**Findings:** Among the 18 Persian books, only in 12 ones we can see the reading elements and in the other 6, there are no references to those elements. Quantitatively, 791 codes were identified in 35 fictions. The most frequent code in both groups of works is the concept 'book (object)'. The lowest frequency in the Persian fictions is 'bookseller' and in the group of translated works is 'library (object)'. The diversity of the main characters of the fictions in the translated titles is significant but limited in Persian fictions. The character of the librarian or the person associated with reading element in Persian works is neutral and has a positive characteristic in the

translated works. The influence of reading-related elements on translated works is greater than on Persian fictions. Although, the presence of the elements related to reading and studying in both groups of works is weak but, the authors of the translated stories have tried more to use these elements in their works.

**Conclusion:** While the focus of previous studies is on quantitative side, this study tried to determine the quality of the reading related elements. The presence of the reading elements in both groups of works is not acceptable. According to the current state of representation of reading-related concepts in the reviewed works, it is not expected from the highest print run titles to encourage reading, especially in the group of Persian works. Publishers are advised to publish works that contain reading-related concepts and indirectly improve the reading habits.

**Keywords:** Reading, Compiled fictions, Translated fiction, Content analysis.

**Article type:** Research



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## ARTICLE INFO

*Article history:*

Received: 18/10/2019

Received in revised form: 03/12/2019

Accepted: 30/01/2020

Available online: 18/04/2022

Publisher: Central Library of Astan Quds Razavi  
Library and Information Sciences, 2022, Vol. 25, No.1, pp. 60-92.

© The author(s)



## بازنمایی عناصر مرتبط با خواندن در ادبیات داستانی تألیفی در مقایسه با آثار ترجمه شده سال‌های ۹۵-۱۳۹۰

مریم سادات پرسته‌زاد

دانشجوی کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [m.parastezad@modares.ac.ir](mailto:m.parastezad@modares.ac.ir)

عاطفه شریف

\*نویسنده مسئول، استادیار گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [Atefeh.sharif@modares.ac.ir](mailto:Atefeh.sharif@modares.ac.ir)

محمد حسن‌زاده

استاد گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران. رایانامه: [hasanzadeh@modares.ac.ir](mailto:hasanzadeh@modares.ac.ir)

### چکیده

**هدف:** پژوهش حاضر با هدف تعیین کیفیت حضور عناصر مرتبط با خواندن در ادبیات داستانی ایران در مقایسه با عناوین ترجمه شده، طی سال‌های ۹۵-۱۳۹۰ ه.ش به انجام رسید.

**روش پژوهش:** این پژوهش از نوع کاربردی است و با روش تحلیل محتوا انجام شده است. جامعه آماری شامل پرشمارگان‌ترین کتاب‌هایی است که در حوزه ادبیات و برای گروه سنی بزرگسال به رشته تحریر درآمده‌اند. نمونه‌گیری هدفمند بوده و پژوهشگر شخصاً به مطالعه و تحلیل ۳۵ عنوان کتاب پرداخته است. کدها شامل عناصری است که به نحوی در ارتباط با خواندن، مطالعه و مضامین مرتبط با کتابداری نظیر کتابخانه و غیره هستند. روایی کدها توسط دو تن از اساتید رشته زبان و ادبیات فارسی و اساتید رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی مورد تأیید قرار گرفته است. پایایی از طریق تعیین توافق میان کدگذاران به دست آمد.

**یافته‌ها:** تنوع شخصیت اصلی داستان‌ها در رمان‌های ترجمه شده قابل توجه اما در رمان‌های فارسی محدود است. با این که میزان نمود عناصر مرتبط با خواندن در هر دو گروه آثار مورد مطالعه ضعیف است، اما نویسندگان آثار ترجمه شده توجه بیشتری برای کاربست این مضامین در آثار خود داشته‌اند و تأثیر آن‌ها بر روند حوادث داستان مشهود است.

**نتیجه‌گیری:** تمرکز بیشتر پژوهش‌های پیشین بر مطالعه کمی عناصر مرتبط با خواندن بود، اما در این پژوهش کیفیت حضور عناصر مرتبط با خواندن مورد نظر است. با توجه به وضعیت موجود بازنمایی مفاهیم مرتبط با خواندن در آثار بررسی شده، نمی‌توان کارکرد تشویق به مطالعه را از پرشمارگان‌ترین کتاب‌های بازار نشر امروز - به ویژه در گروه آثار تألیفی - انتظار داشت.

**کلیدواژه‌ها:** خواندن، داستان تألیفی، داستان ترجمه شده، تحلیل محتوا.

**نوع مقاله:** پژوهشی

### اطلاعات مقاله

#### تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۴/۲

تاریخ ویرایش: ۱۳۹۹/۵/۲۲

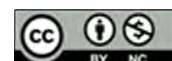
تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۸/۳

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۱/۲۹

ناشر: کتابخانه مرکزی آستان قدس رضوی

کتابداری و اطلاع‌رسانی، ۱۴۰۱، دوره ۲۵، شماره ۱، شماره پیاپی ۹۷، صص. ۶۰-۹۲.

© نویسندگان



## مقدمه

رسانه‌ها یکی از عوامل و ابزارهای مهم جامعه‌پذیری و فرهنگ‌پذیری هستند که نقش مهمی در رشد و تحول جنبه‌های گوناگون زندگی افراد ایفا می‌کنند. امروزه انسان‌ها در معرض نهادهای رسانه‌ای متولد می‌شوند، می‌اندیشند، دنیا را از این منظر می‌بینند و رفتارهای خود را بر اساس الگوهای برگرفته از کتاب، مجله، روزنامه، فیلم، ماهواره، تلویزیون، رادیو و اینترنت سامان می‌دهند (حسنی‌فر و ابولحسنی، ۱۳۹۰). از دیگر سو رسانه، آینه جامعه خود و نشان دهنده و بازتاباننده حقایق آن است؛ رسانه‌ها امروزه در کنار سرگرمی، آگاهی‌بخشی و آموزش، به صدای جامعه نیز بدل گشته‌اند (سینگ و پندی<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷). گویی رسانه به مثابه سکه‌ایست که یک روی آن بر جامعه اثر می‌گذارد و روی دیگرش از آن تأثیر می‌پذیرد. چنانچه ارزشی در رسانه نمود یابد در گذر زمان در جامعه نیز نمایان می‌شود و وقتی ارزش یا ضد ارزشی رسانه‌ها را تسخیر کند می‌توان نتیجه گرفت که جامعه نیز بهره‌مند یا مبتلا به آن است.

به گزارش انجمن جراحان عمومی آمریکا<sup>۲</sup> در سال ۲۰۱۴، مشاهده تصویر افراد در حال مصرف سیگار منجر به ترغیب ذهنی مخاطب به استعمال سیگار خواهد شد (تروث اینیشیاتیو<sup>۳</sup>، ۲۰۱۸)؛ بنابراین، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که کاربست مضامین و محتواهایی که در ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با عادات مختلف و هنجارها یا ناهنجاری‌های اجتماعی هستند می‌تواند بر فرهنگ عمومی جامعه تأثیر بسزایی داشته و موجب تغییر آن در جهت مثبت یا منفی شود.

از زمانی که بشر تلاش کرد تراوشات ذهنی خود را به شکل سنگ نوشته و نقاشی بر دیوار غارها ثبت و ضبط کند تا امروز، مفهوم ادبیات فراز و نشیب‌های زیادی را به خود دیده است؛ از میان تمام انواع رسانه، کتاب به عنوان یکی از قدیمی‌ترین شکل‌های انتقال مفاهیم و ارزش‌ها از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و با وجود پیشرفت‌های چشمگیر در زمینه رسانه‌های دیجیتال و مجازی، صنعت چاپ هنوز هم به عنوان یکی از صنایع تأثیرگذار در اقتصاد کشورها به شمار می‌رود (اونومزی<sup>۴</sup>، ۲۰۱۷). به این ترتیب، داستان‌گویی و قصه‌پردازی را می‌توان یکی از مؤثرترین راه‌ها برای شناساندن ارزش و ضد ارزش به یک جامعه دانست؛ اما این مهم بدون تربیت ملتی علاقه‌مند به مطالعه میسر نمی‌شود.

یکی از راه‌های مؤثر در نهادینه‌سازی فرهنگ مطالعه و آشتی دادن ذهن مخاطبان با کتاب و شاخصه‌های مرتبط با آن، استفاده از عناصر و مفاهیم مربوط به کتاب و مطالعه در داستان‌هاست. چه آن که قصه‌ها ابزار

1. Pandey, N & Singh  
2. U.S. Surgeon General  
3. Truth Initiative  
4. Onwuemezi

بنیادین معنادهی و الگوی طبیعی تفکر محسوب می‌شوند و ترکیب قدرتمندی برای سازمان‌دهی و انتقال اطلاعات و معنادهی به زندگی دارند (البرزی و یوسفی، ۱۳۹۶). محتوای کتاب می‌تواند در طولانی مدت با روح و ذهن خواننده پیوند برقرار کند. شخصیت‌ها و رخداد‌های یک داستان، خواسته یا ناخواسته بر افکار و اندیشه‌های مخاطب تأثیرگذار خواهد بود و از این‌روست که نمود یافتن مفاهیم مرتبط با خواندن در یک داستان اهمیت می‌یابد. ظهور این عناصر در داستان از یک‌سو نمایانگر میزان توجه و دغدغه‌مندی نویسنده به این مقوله خواهد بود و از دیگر سو، منجر به مواجهه پیوسته خواننده با این مفاهیم و راهیابی آن‌ها به زندگی روزمره آحاد جامعه و غنای فرهنگ مطالعه و کتاب‌دوستی می‌شود. با این وجود به نظر می‌رسد مفاهیم مرتبط با خواندن و کتابخوانی در خلال سال‌های متمادی، حضوری کم‌رنگ در ادبیات داستانی ایران داشته است و نویسندگان کشورمان دغدغه‌چندانی نسبت به استفاده از این مفاهیم و عناصر در روند شکل‌دهی به داستان‌های خود ندارند، حال آن‌که عناصر و شاخصه‌های یک داستان، بخشی از یک چرخه هستند که از جامعه و مردم تأثیر گرفته و بر ایشان تأثیر می‌گذارند.

فرهنگ و رسانه هر دو قابلیت تأثیرگذاری بر هم و تأثیرپذیری از یکدیگر را دارند، ضمن این که می‌توانند در فرآیند فرهنگ‌گرایی و فرهنگ‌پذیری، با تبیین یا تغییر علایق و منافع اجتماعی به فرهنگ‌سازی مبادرت ورزند (خورشیدیان و دیگران، ۱۳۹۳). رسانه‌ها می‌توانند با استفاده از اقتناع، تلقین، تکرار و سایر روش‌های روان‌شناختی در تفکر و رفتار جوامع هدف تغییر ایجاد کنند. بر اساس همین کارکردهای رسانه، پیش‌فرض اصلی این مقاله و پژوهش‌هایی از این دست، آن است که محتوای رسانه، از جمله کتاب، بر افکار و عقاید مخاطب و به همین ترتیب بر رفتار وی اثرگذار است. از سوی دیگر محتوای کتاب‌های پرشمارگان می‌تواند بازنمونی از دغدغه‌های نویسندگان این آثار و بازتابی از سلیقه مخاطب باشد.

روند نزولی تمام آمارها و شاخص‌های مرتبط با کتابخوانی و انتشار کتاب (به جز قیمت!) نشان از بی‌علاقگی جامعه ایران به مطالعه کتاب دارد. کاهش شمارگان و تعداد کل عناوین منتشرشده کتاب نسبت به سال گذشته و نیز کاهش ۱۰ میلیون نسخه‌ای انتشارکل کتاب در ایران در سال ۱۳۹۵ (تمام شاخص‌های کتابخوانی منفی شد؛ ۱۳۹۵) می‌تواند گواهی بر این مدعا باشد. در این میان، شناخت دقیقی درباره چگونگی استفاده از عناصر مرتبط با خواندن در ادبیات داستانی منتشر شده و میزان توجه به این عناصر و مفاهیم از طرف نویسندگان در دست نیست، در حالی که شناخت چگونگی این بازنمایی می‌تواند گامی هر چند کوچک در جهت آسیب‌شناسی بی‌میلی به مطالعه در جامعه ایران و درک چرایی پایین بودن سرانه مطالعه در کشورمان باشد.

با توجه به این که پژوهش‌های پیشین تنها به بررسی کمی عناصر مرتبط با خواندن یا منحصراً شخصیت‌شناسی کتابداران پرداخته‌اند و عمده تمرکز آنان بر ادبیات کودک و نوجوان بوده است، جای پژوهشی با معیارها و مقیاس‌های پژوهش حاضر در ادبیات تحقیق خالی است؛ زیرا بررسی کیفیت حضور شخصیت‌ها و شاخص‌هایی که به نحوی در ارتباط با کتاب، کتابداری، خواندن، مطالعه و... باشد می‌تواند به جامعه نویسندگان و افراد اثرگذار در حوزه تألیف و نشر کتاب، در تغییر سیاست‌های این حوزه کمک نماید.

این پژوهش بر آن است که با تحلیل محتوای آثار نگارش یافته در حوزه ادبیات داستانی بزرگسال در خلال سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ و مقایسه آن با آثار ترجمه شده پرشمارگان در کشور، به درکی از کیفیت بازنمایی عناصر مرتبط با خواندن در این آثار بپردازد.

### پیشینه پژوهش

در میان پژوهش‌هایی که در حوزه جایگاه و اهمیت عناصر مرتبط با خواندن انجام شده است چند نمونه‌ای که در ادامه خواهد آمد تشابه بیشتری با موضوع حاضر دارند. محسنیان (۱۳۸۳) با روش تحلیل محتوا به بررسی نقش کتاب‌های درسی در تشویق دانش‌آموزان به مطالعه در دوره‌های ابتدائی و راهنمایی پرداخت. جامعه آماری، تمامی کتاب‌های درسی دوره ابتدائی (۲۸ کتاب) و دوره راهنمایی تحصیلی (۳۳ کتاب) بود. یافته‌ها نشان داد در بین کتاب‌های پنج سال دوره ابتدائی و ۳ سال دوره راهنمایی، بیشترین اشاره‌ها به کتاب و کتابخوانی، به کتاب فارسی و کمترین آن‌ها به کتاب‌های آموزش قرآن برای دوره ابتدائی و تعلیمات اجتماعی برای دوره راهنمایی مربوط می‌شود. در کتاب‌های جغرافیا، هنر و حرفه و فن نیز اصولاً نکته‌ای در این زمینه مطرح نشده است.

همچنین پریشانی (۱۳۹۲) به تحلیل کیفی آثار سینمایی که دارای ویژگی‌ها و عناصر اشاعه دهنده فرهنگ مطالعه و کتابخوانی است پرداخت. جامعه آماری پژوهش وی فیلم‌های راه‌یافته به بخش انتخاب بهترین فیلم آکادمی اسکار از ۱۹۸۳ به بعد و فیلم‌های راه‌یافته به بخش انتخاب بهترین فیلم جشنواره فجر از ۱۹۸۳ (۱۳۵۷ ه.ش) به بعد است. نتایج نشان داد که هالیوود علاوه بر صرف هزینه بیشتر برای ساخت فیلم‌هایی بر اساس رمان‌ها و کتاب‌های منتشر شده، آثاری با تمرکز و حضور بیشتر بر شخصیت‌های اهل مطالعه و کتابدار تولید کرده است. این مقایسه همچنین نشان داد که در هیچ‌یک از آثار سینمای ایران شخصیتی در غالب کتابدار وجود ندارد.

ندرلو (۱۳۹۲) نیز، در پژوهشی به تحلیل محتوای گزیده‌ای از وبگاه‌های فرهنگی از نظر مضامین و مقوله‌های مرتبط با کتاب، کتابخانه و مطالعه پرداخت. در این پژوهش که از نوع تحلیل محتوا و کیفی است،

تعداد ۱۵ وبگاه فرهنگی اصلی و کلیدی به عنوان نمونه انتخاب شدند. نتایج نشان داد، تمرکز بیشتر وبگاه‌ها بر عوامل ترویج مطالعه و کتابخوانی است و عواملی مانند خانواده، مدرسه، رسانه و دولت نقشی مؤثر در ارتقاء این فرهنگ دارند.

در میان مطالعات خارج از کشور نیز آثار قابل توجهی در حوزه تحلیل محتوای ادبیات داستانی، با هدف بررسی نقش و جایگاه قشری خاص از جامعه در داستان‌ها به چشم می‌خورد که نشان از تأیید و تأکید پژوهشگران بر اثرگذاری آثار ادبی بر جامعه است؛ نکته قابل توجه در اغلب این پژوهش‌ها پرداختن به جایگاه گروه‌های اقلیت یا آسیب‌پذیر و نحوه حضور ایشان در داستان است، گروه‌هایی نظیر هم‌جنس‌گرایان، بی‌خانمان‌ها، مهاجران و نیز نژادهای مختلفی چون سیاه‌پوستان و غیره. به عنوان نمونه کیم و وی<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی به بررسی چگونگی ترسیم و حضور بی‌خانمانی در کتاب‌های تصویری کودکان پرداخته است. پژوهش وی نشان می‌دهد که بی‌خانمانی به شیوه‌های کلیشه‌ای مورد توجه قرار گرفته و این امر متمرکز بر بزرگسالان مرد است که در فضاهای عمومی زندگی می‌کنند. همچنین راه‌حل بی‌خانمانی در کتاب‌ها محدود، موقت و فصلی بود. بی‌خانمانی نیز به جای این که ناشی از نابرابری‌های ساختاری اجتماعی باشد به عنوان یک موضوع فردی به تصویر کشیده شده است. علاوه بر این مقالاتی نظیر میزان و چگونگی حضور ارزش‌های انسانی و نیز عوامل تأثیرگذار بر شکل‌گیری و رشد شخصیت افراد به ویژه کودکان نیز در میان آثار غیرفارسی زبان به چشم می‌خورد که از آن جمله می‌توان به پژوهش ادوی و سیسوانتو<sup>۲</sup> (۲۰۱۹) اشاره کرد؛ در بخش اول این مقاله نویسندگان تلاش کرده‌اند به بررسی میزان حضور عناصر مربوط به سبک زندگی پایدار در دنیای داستان‌های کوتاه بپردازند.

در میان آثار مرتبط با حوزه کتابداری نیز مطالعات قابل توجهی در باب چگونگی حضور شخصیت کتابداران در ادبیات کودک و نحوه تأثیرگذاری آنان در روند داستان انجام شده است. یکی از قدیمی‌ترین پژوهش‌ها توسط کاترین.م. هیلمن<sup>۳</sup> (۱۹۷۵) انجام شد. وی به تحلیل محتوای تصاویر ۲۵ کتاب در حوزه ادبیات کودک که دارای شخصیت کتابدار بودند پرداخت. یافته‌ها نشان داد: در اغلب موارد، کتابداران جوان، جذاب، متأهل و به طور کلی دارای نگرشی مثبت بودند و از میان این ۲۵ کتابدار، ۲۴ کتابدار زن و تنها یک کتابدار مرد وجود داشت.

1. Kim & Wee

2. Edwi & Siswanto

3. Katherine M. Heylman

الیان یونتز<sup>۱</sup> (۲۰۰۳) به بررسی تغییر کلیشه‌های شخصیتی کتابداران در ادبیات کودکان، در طول زمان پرداخت. پژوهش شامل ۳۵ عنوان کتاب، متن و تصویر می‌شد که قومیت، جنسیت، شغل و ابزارهای شغلی و به طور کلی نگرش موجود نسبت به شخصیت کتابدار در آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مشخص کرد که کتابداران عمدتاً زنانی سفیدپوست با ویژگی‌های شخصیتی مثبت هستند. در پژوهشی مرتبط، الکساندر و پرزی<sup>۲</sup> (۲۰۰۵) کلیشه‌های به دست آمده توسط یونتز (۲۰۰۳) را مجدداً بررسی کردند. نمونه مورد مطالعه ایشان ۷۰ رمان منتشر شده در فاصله سال‌های ۱۹۶۰ تا ۲۰۰۴ بود. یافته‌ها نشان داد که کتابداران، دیگر آن زنان مهربان سفیدپوست نیستند بلکه در اغلب موارد تبدیل به شخصیت‌هایی بسیار چاق یا خیلی لاغر، سخت‌گیر، عینکی و خسته‌کننده شده‌اند! فقدان تنوع در شخصیت کتابدار در ادبیات نوجوان می‌تواند باعث شود که او در آینده از پذیرش کتابداری به عنوان یک حرفه سرباز زند.

مینارد و مک‌کینا<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) تفاوت‌های میان شخصیت کتابدار را در رده‌های سنی مختلف بررسی کردند. با توجه به هدف، نمونه‌ها در سه دسته کتاب‌های تصویری<sup>۴</sup>، تخیلی کودکان<sup>۵</sup> و نوجوانان<sup>۶</sup> تقسیم‌بندی شدند. یافته‌ها نشان داد در حالی که کتابداران در کتاب‌های تصویری کودکان دارای شخصیت‌هایی مهربان و کمک‌رسان بودند؛ اما، در دو گروه دیگر، شخصیتی عبوس و غیراجتماعی داشتند هرچند کار خود را به خوبی انجام می‌دادند!

مجموعه داستان‌های هری پاتر یکی از کتاب‌هایی است که به دلیل حضور پر رنگ کتابخانه و نقش مؤثر کتابداران در روند داستان، بسیار مورد توجه پژوهشگران رشته کتابداری قرار گرفته است. از جمله این پژوهش‌ها می‌توان به پژوهش ریچاردسون<sup>۷</sup> و وگنر<sup>۸</sup> (۲۰۱۱) اشاره کرد. در این پژوهش تمام عناصر مرتبط با کتابخانه و کتابداری در مجموع ۷ کتاب هری پاتر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که کتابخانه در این داستان‌ها دارای هر دو نقش مکان ممنوعه و خطرناک و نیز محلی برای یافتن پاسخ معماها و انجام اعمال قهرمانانه شخصیت‌های داستان است. پژوهشی دیگر در این زمینه، توسط فریر<sup>۹</sup> (۲۰۱۴) به انجام رسید که به طور اختصاصی به نقش هرمیون گرنجر<sup>۱۰</sup> به عنوان یک محقق و کتابدار در مجموعه داستان‌های هری پاتر می‌پردازد. در این پژوهش توضیح داده می‌شود که چگونه هرمیون در ابتدا

1. Yontz
2. Alexander and Peresie
3. Maynard and McKenna
4. picture book
5. general children's fiction chapter book
6. young adult book
7. Elizabeth A. Richardson
8. Sarah Wagner
9. Mary P. Freier
10. Hermione Granger



تنها به عنوان یک علاقه‌مند به علوم جادوگری به کتابخانه و کتاب خواندن روی می‌آورد اما در ادامه آموخته‌های وی او را در دفع نیروهای شر و کمک به نیروهای خیر یاری می‌رساند.

ورد<sup>۱</sup> (۲۰۱۷) نیز در پژوهشی برای دریافت تغییرات کلیشه شخصیتی کتابداران در ادبیات کودکان به بررسی کتب منتشر شده در این حوزه در فاصله سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۱۵ پرداخته است. وی در این پژوهش تلاش دارد به ۳ پرسش پاسخ دهد: ۱- کتابداران یا کارمندان کتابخانه به لحاظ ویژگی‌های ظاهری، اخلاقی و رفتاری، سن، قومیت و جنس چه تصویری در کتاب‌های کودکان دارند؟ ۲- در صورت وجود الگو یا کلیشه‌ای خاص آیا تفاوتی برای گروه‌های سنی مختلف خوانندگان ایجاد شده؟ ۳- در صورت وجود الگو یا کلیشه‌ای خاص آیا این الگو یا کلیشه در تاریخ‌های مختلف انتشار تفاوتی داشته است؟ این پژوهش در پایان نشان می‌دهد که کلیشه‌های موجود از کتابداران مثبت است و سن خوانندگان و یا تاریخ انتشار تفاوت چندانی در تغییر این کلیشه‌ها ایجاد نکرده است. کتابداران اغلب انسان‌هایی خنده‌رو، با محبت، دلگرم‌کننده و کمک‌کننده هستند.

در حوزه فیلم و سینما نیز بازنمایی شخصیت کتابدار مورد توجه پژوهشگران بوده است؛ شافر<sup>۲</sup> و کیسی<sup>۳</sup> (۲۰۱۲) با هدف بررسی کلیشه‌های شخصیتی کتابداران در آثار سینمایی عامه‌پسند به تحلیل و بررسی فیلم‌هایی پرداختند که دارای شخصیت کتابدار هستند. در این پژوهش پس از ارائه اطلاعات فیلم‌شناختی و شرح خلاصه داستان به بیان چگونگی حضور کتابدار و کتابخانه در فیلم و ویژگی‌های مثبت و منفی آن پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد با وجود تنوع کشورهای تولیدکننده آثار، شخصیت کتابدار اغلب دارای کلیشه‌های شخصیتی مشابهی هستند؛ هرچند نویسنده تشخیص مثبت یا منفی بودن این شخصیت‌ها را وظیفه تماشاگران فیلم‌ها می‌داند. ولز<sup>۴</sup> نیز در پژوهشی (۲۰۱۳) تلاش می‌کند با بررسی فیلم‌های تولید شده در آمریکای شمالی طی ۶۰ سال گذشته دریابد که آیا تصویر ارائه شده از کتابداران زن در این بازه زمانی تغییری کرده است یا خیر؟ وی به صورت تصادفی فیلم‌هایی از دهه‌های ۴۰ و ۵۰ میلادی را با فیلم‌هایی از سال‌های ۲۰۰۰ تا ۲۰۱۱ مقایسه کرده است و در این مقایسه سن، مدل مو، طریقه لباس پوشیدن، عینک زدن، وضعیت تأهل و مجرد و نکاتی از این قبیل را مدنظر قرار داده است. به طور کلی مشخص شده است که تغییر چندانی در کلیشه‌های شخصیتی کتابداران زن ایجاد نشده است.

1. Wirth
2. Christopher Shaffer
3. Olga Casey
4. Julia A. Wells

با توجه به آنچه در پژوهش‌های پیشین انجام شده به نظر می‌رسد، جای پژوهشی که بر هر دو بعد شخصیت‌شناسی کتابداران و نیز چگونگی حضور و بازنمایی عناصر مرتبط با خواندن در ادبیات ایران تمرکز داشته باشد خالی است، همچنین با توجه به تمرکز اغلب پژوهش‌های گذشته بر ادبیات کودک و نوجوان و کتب درسی، انجام پژوهشی که به تحلیل محتوای آثار ادبی نگارش یافته برای گروه سنی بزرگسال بپردازد نیز ضروری به نظر می‌رسد. به این ترتیب پژوهش حاضر در پاسخ به این پرسش اصلی انجام می‌پذیرد که کیفیت حضور عناصر مرتبط با خواندن در پرشمارگان‌ترین کتاب‌های داستانی موجود در بازار در دو دسته تألیفی و ترجمه، طی سال‌های ۱۳۹۰-۹۵ چگونه است؟

### روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی است و به روش تحلیل محتوا انجام شد. جامعه آماری شامل تمامی کتاب‌هایی است که در حوزه ادبیات داستانی و برای گروه‌سنی بزرگسال در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۵ برای نخستین بار به چاپ رسیده‌اند؛ هرچند عناوینی چون مدیر مدرسه، تصویر دوریان گری و ... قدیمی به نظر می‌رسند، اما در این پژوهش ملاک نه عنوان کتاب بلکه شمارگان آن است و عناوینی که در فاصله سال‌های ۱۳۹۰ تا ۹۵ توسط انتشاراتی جدید برای اولین بار و با شمارگان بالا به چاپ رسیده‌اند. نمونه‌گیری هدفمند بود و به علت نبود مرجعی معتبر برای معرفی آمار فروش حقیقی کتاب در کشور، شمارگان کتاب به عنوان شاخص انتخاب، در نظر گرفته شد. آمار کتاب‌های پرشمارگان با همکاری مؤسسه خانه کتاب در ۲۰ اسفند ماه ۱۳۹۶ تهیه شد و سه کتاب اول از هر سال به عنوان نمونه انتخاب و مطالعه شدند. در مجموع تعداد ۳۵ عنوان کتاب، در دو گروه ۱۸ اثر تألیفی و ۱۷ ترجمه شده<sup>۱</sup>، تحلیل شد که جمعاً شامل ۸۳۲۸ واحد تحلیل (صفحه کتاب) بود.

پس از مشخص شدن جامعه و انجام نمونه‌گیری، محقق شخصاً به مطالعه کتاب‌ها و تحلیل پرداخت. با توجه به پژوهش‌های پیشین و نظر اساتید و صاحب‌نظران حوزه تحلیل محتوا، ۸ کد که در ادامه می‌آید به عنوان نماینده عناصر مرتبط با خواندن مورد توجه قرار گرفتند: ۱. کتاب (شیء)؛ ۲. کتابخانه (شیء)؛ این مقوله شامل قفسه کتاب یا کتابخانه‌های کوچک شخصی و خانوادگی می‌شود؛ ۳. کتابخانه (مکان)؛ منظور ساختمان یا اطاق مجزایی است که تماماً به کتاب اختصاص داده شده باشد؛ ۴. کتابدار یا هر یک از کارکنان کتابخانه؛ ۵. کتابفروشی؛ ۶. خواندن و مطالعه (کتاب، روزنامه، مجله و غیره)؛ ۷. کتابفروش و ۸. نویسندگی یا

۱. داستان تصویر دوریان گری در سال ۹۴ توسط دو ناشر یعنی افق و طاق بستان به چاپ رسیده است. در این پژوهش نسخه نشر طاق بستان که بیشترین شمارگان را داشته، مبنای قرار گرفت. به این ترتیب مجموع کتاب‌های ترجمه شده مورد بررسی به ۱۷ عدد کاهش یافت.

هر عمل، شخص یا عنصری که به نحوی به تولید کتاب ربط پیدا کند (به طور مثال شخصیت اصلی کتاب ملت عشق نوشته آلیف شفاک، ویراستاری است که باید کتاب‌ها را پیش از چاپ بازخوانی و بازبینی نهایی کند). این مقوله شامل نوشتن نامه و یادداشت‌های مختصری که برای اطلاع‌رسانی نوشته می‌شوند نبوده است. برای دریافت کیفیت حضور عناصر مرتبط با خواندن، هنگام مطالعه داستان‌ها به پرسش‌هایی از این دست پاسخ داده شد:

۱. چه عنصری در داستان آمده است؟؛ ۲. کدام کتاب‌ها به عناصر مرتبط با خواندن اشاره‌ای اثرگذار داشتند؟ (مقصود از اشاره اثرگذار درگیر بودن شخصیت اول داستان یا یکی از شخصیت‌های اصلی با عناصر مرتبط با خواندن است.) و آیا مقوله ذکر شده نقشی اثرگذار در شکل‌گیری روند داستان ایفا می‌کند؟؛ ۳. شخصیت‌های مرتبط با عناصری چون کتابدار، کتابفروش و غیره دارای وجه مثبت هستند یا منفی؟

لازم به ذکر است در روند تحلیل برای عینیت بخشیدن به داده‌های کیفی از سه سطح اثرگذاری کم، متوسط و زیاد استفاده شده است که هر کدام بیانگر میزان اثرگذاری عنصر مورد نظر در روند شکل‌گیری داستان هستند. به طور مثال از میان داستان‌های فارسی، در کتاب «پسران دوزخ: فرزندان قابیل»، شخصیت اصلی داستان یک خانم کتابدار است که با ویژگی‌های مثبت شخصیتی و نیز سطح بالای آگاهی منجر به تغییر حوادث داستان می‌شود. همچنین در تمام طول داستان صحبت از کتاب‌هایی است که مطالعه آن منجر به رستگاری یا گمراهی افراد شده! بدیهی است که تأثیر عناصر مورد بررسی در این داستان، در مقایسه با کتاب «یاسمین» که برای توصیف بی‌حوصله بودن یکی از شخصیت‌ها و یا توصیف درس‌خوان نبودن شخصیتی دیگر از عنصر کتاب استفاده کرده، بسیار بیشتر است.

داده‌های به دست آمده از نمونه‌ها به شکل عینی تجزیه و تحلیل شده‌اند؛ به این معنا که از نرم‌افزارهای تحلیل محتوا استفاده نشده است و پژوهشگر شخصاً پس از مطالعه داستان و بررسی فضای کلی آن، به تحلیل نقش و جایگاه عناصر مرتبط با خواندن در روند شکل‌گیری داستان پرداخته است. در بخش یافته‌ها، شواهدی از متن کتاب‌ها که به قضاوت اثرگذاری حضور عناصر در روند داستان و چگونگی شخصیت افراد مرتبط با عناصر مورد بررسی منجر شده، آمده است.

روایی عناصر انتخابی به منزله عناصر مرتبط با خواندن و چارچوب پرسش‌هایی که کیفیت حضور عناصر را تعیین می‌کند توسط دو نفر از اساتید زبان و ادبیات فارسی و همچنین دو نفر از اعضای هیئت علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأیید شد. به منظور تأمین پایایی، استنباط پژوهشگر از کیفیت بازنمایی عناصر مرتبط با خواندن با دو کدگذار دیگر که هر یک به مطالعه شش اثر (سه کتاب تألیفی و سه کتاب ترجمه

شده) از مجموع آثار پرداختند مقایسه شد و محاسبه توافق درصدی پایایی بین کدگذاران نشان داد که نتایج، نود و دو درصد مطابقت دارد.

## یافته‌ها

از میان ۱۸ اثر تألیفی تنها در ۱۱ اثر، نمودی از عناصر به چشم می‌خورد و در ۷ اثر دیگر، هیچ گونه اشاره‌ای به این عناصر نشده است. از نظر کمی، در ۳۵ اثر مورد مطالعه ۷۹۱ کد شناسایی شد؛ پرتکرارترین کد در هر دو گروه آثار مربوط به واژه کتاب (شیء)، و کمترین میزان فراوانی در گروه آثار تألیفی به استفاده از شخصیت کتابفروش و در گروه آثار ترجمه‌شده به حضور واژه کتابخانه (شیء) بازمی‌گردد. در ادامه کیفیت حضور این عناصر در آثار مورد بررسی ارائه می‌شود. جدول ۱ خلاصه‌ای از کیفیت حضور عناصر را به تصویر می‌کشد.

جدول ۱. کیفیت عناصر استخراج شده از آثار تألیفی

ردیف	عنوان	عناصر مورد اشاره	اثرگذاری	شخصیت (کتابدار، کتابفروش و ...)
۱	کلاهی پر از گل یاس	فاقد عناصر	-	-
۲	آغوش در هم شکسته	فاقد عناصر	-	-
۳	اکسیر شرق	اشاره به سه عنصر خواندن، کتاب و کتابخانه	متوسط	-
۴	مجموعه داستان هدف	فاقد عناصر	-	-
۵	مدیر مدرسه	اشاره به دو عنصر کتاب (شیء) و نویسندگی	کم	خنثی
۶	یاسمین	اشاره به چهار عنصر خواندن، کتاب، کتابخانه (شیء) و کتابفروشی	کم	-
۷	جوا، چوا، حوا، خوا	فاقد عناصر	-	-
۸	پدر من بازاریه	اشاره به عنصر کتاب (شیء)	کم	-
۹	قصه‌های زندگی: باریدن یا ...	فاقد عناصر	-	-
۱۰	(یکتا) سرگذشت زندگی‌ام را بخوان	فاقد عناصر	-	-
۱۱	ته خیال	اشاره به چهار عنصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (شیء) و نویسندگی	زیاد	خنثی
۱۲	خدا با ماست	اشاره به عنصر کتاب (شیء)	کم	-
۱۳	دلیل بودنم	اشاره به دو عنصر خواندن و کتابخانه (شیء)	کم	-
۱۴	پسران دوزخ: فرزندان قابیل	اشاره به عناصر خواندن و کتابخانه (شیء)، کتابخانه (مکان)، نویسندگی و کتابدار	زیاد	مثبت
۱۵	بنی آدم	اشاره به دو عنصر کتاب (شیء) و نویسندگی	کم	-
۱۶	شب‌پره‌ها	اشاره به عنصر خواندن	کم	-
۱۷	بمب، باران	اشاره به دو عنصر خواندن و کتاب (شیء)	کم	-
۱۸	شمیم عشق	فاقد عناصر	-	-

در ادامه چگونگی بازنمایی این عناصر در هر یک از آثار بیان می‌شود.

اکسیر شرق (۱۳۹۰): به قلم ایمان قنبرپور، نشر سرآغاز. روایتگر داستان زندگی پسری است که پس از انقلاب برای کار و ادامه تحصیل به فرانسه مهاجرت می‌کند اما یک حادثه، تمام زندگی او را دستخوش تغییر می‌کند. این کتاب اشاراتی کوتاه اما تأثیرگذار به مقوله خواندن دارد. شخصیت اصلی داستان به شکل کاملاً تصادفی در کتابخانه دانشگاه به کتابی درباره تصوف و عرفان‌های شرقی برمی‌خورد و خواندن کتاب مسیر زندگی او را تغییر می‌دهد. پس از سال‌ها به قصد تحقیق درباره صوفیه و مولانا به ایران بازمی‌گردد و در جریان پیوستن به حلقه‌ها و گعده‌های عارفانه، دلبسته دختری می‌شود و با وی ازدواج می‌کند. خواندن کتاب‌هایی درباره مولانا و تصوف و نیز هدیه گرفتن و مطالعه مثنوی معنوی، زندگی شخصیت اصلی داستان را از جهان روزمره و سرشار از تعلقات مادی غرب به جهان پر رمز و راز و عارفانه شرق پرتاب می‌کند. در این داستان سه بار به کتابخانه (دانشگاه) اشاره شده است که هر سه بار حسی مثبت را به خواننده القا می‌کند. هرچند آشنا شدن شخصیت اصلی داستان با تصوف و پیوستن او به متصوفه به واسطه کتابخانه‌گردی و کتابخوانی جرقه می‌خورد اما در ادامه این مرام و مسلک صوفیان است که وی را مجذوب خویش کرده و مسیر زندگی وی را تغییر می‌دهد؛ به همین دلیل است که عمق اثرگذاری عناصر مرتبط با مطالعه بر روند حوادث داستان متوسط ارزیابی شده است؛ به این معنا که اگر آن تصادف از جنس خواندن نبود خللی در اتفاقات بعدی داستان اتفاق نمی‌افتاد. اما این که نویسنده از میان این‌همه اتفاق، خواندن و از میان این همه مکان، کتابخانه را برگزیده است نشان از دغدغه‌مندی وی دارد.

مدیرمدرسه (۱۳۹۱): داستانی است خواندنی از نویسنده نام‌آشنای ادبیات ایران، جلال آل احمد، انتشارات کتاب نشر. شخصیت اصلی داستان معلمی است که برای ایجاد تنوع و نیز رهایی از برخی مسئولیت‌های حرفه‌ای معلمی برای مدیریت دبستان درخواست می‌دهد. شخصیت اصلی داستان، مردی دلسوز و دغدغه‌مند است که گاه و بی‌گاه دست به قلم می‌شود و سرگرمی وی در اوقات تنهایی و فراغت، نوشتن یادداشت‌های روزانه و داستان است. هرچند که خودش از لفظ «قلم صدتا به غاز زدن» برای توصیف اهتمامش به نوشتن استفاده می‌کند. اگرچه محل رخداد حوادث اصلی این داستان مدرسه و شخصیت‌های اصلی آن مدیر، معلمان و دانش‌آموزان هستند، اما نویسنده داستان فقر اقتصادی و لاجرم فرهنگی و نیز فرهنگ و آداب و رسوم مردمان روستا را دستمایه شکل‌گیری حوادث داستان قرار داده است و نه آموزش و خواندن و نوشتن. بخش‌های کوتاهی که نویسنده شخصیت «آقای مدیر» را در حال نوشتن توصیف می‌کند تنها کارکرد فضاسازی دارد و اتفاق اصلی نه به واسطه نوشتن یا نوشته مدیر بلکه با محرک‌های دیگر رخ داده است و بر این اساس، نقش نویسندگی مورد اشاره در این داستان، خنثی است و اثرگذاری کمی دارد. در این

کتاب یکبار از لفظ کتاب استفاده شده که تأثیری در روند داستان نداشته و تنها در حین نقل یک خاطره از دوران تحصیل آقای مدیر مورد استفاده قرار می‌گیرد. با این که بیش از نود درصد حوادث و شخصیت‌های داستان در مدرسه هستند اما اشاره به موضوعاتی نظیر کتاب، خواندن، کتابخانه و ... به چشم نمی‌خورد. شخصیت اصلی جایی در گفتگوهای درونی خود به این نکته اشاره می‌کند که *غم نان داشتن برای این ملت در ارجحیت است از غم فرهنگ*.

یاسمین (۱۳۹۱): نوشته مرتضی مؤدب‌پور، نشر نیریز. داستان زندگی پسری دانشجو را روایت می‌کند که با وجود سطح پایین اقتصادی، عاشق دختری متمکن و مرفه می‌شود. در طول داستان بارها به واژه کتاب به عنوان شیء اشاره شده است که هیچ تأثیر خاصی در روند حوادث داستان ندارد. به طور مثال عبارتی نظیر: «*کتاب‌ها را انداخت یک گوشه!*» (ص. ۱۵) و یا «*چندتا از این کتاب‌ها رو بفروش و خرج زندگی کن*» (اشاره به نسخ خطی و کتب قدیمی)! تنها اشاره این داستان به کتابفروشی هم جایی است که کاوه (رفیق شوخ و بذله‌گوی بهزاد) برای دست‌انداختن دوست خود کتابی درباره زایمان از کتابفروشی تهیه می‌کند! استفاده از کتابخانه در داستان نیز به قفسه کتاب و کتابخانه شخصی آقای هدایت (دوست بهزاد) بازمی‌گردد. در مجموع این کدها و واژه‌ها چنان خنثی هستند که حتی در صورت حذف آنان از داستان خللی در روند حوادث ایجاد نخواهد شد. وجود جمله‌هایی چون «*وارد اطاق شدم و کتاب‌ها را به گوشه‌ای انداختم...*» نمی‌تواند حواس مخاطب را به کتاب به عنوان یک شیء ارزشمند و دخیل در روند حوادث داستان متمرکز کند و یا جمله‌ای چون «*تازه من هیچ روزی کتاب با خودم نمی‌آرم دانشکده!*» (ص. ۱۲) بیشتر نشان از توصیف بی‌قیدی و درس‌نخوان بودن یکی از شخصیت‌های داستان است. بسامد تکرار این کلیدواژه‌ها در مقایسه با حجم کتاب نیز بسیار پایین‌تر از آن است که به چشم بیاید و می‌توان گفت اثرگذاری عناصر مرتبط با خواندن در این اثر کم‌رنگ است.

پدر من بازاریه (۱۳۹۲): نوشته مهدی احمدی پور، انتشارات اندیشه پویا. مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است. در تمام قصه‌های این مجموعه تنها دوبار از واژه کتاب استفاده شده که یک مرتبه از آن القا‌کننده حسی مثبت در ذهن خواننده است. واژه کتاب در داستان «*نابرده رنج ...*» در قالب این جمله آمده است: *پله‌ها را باید بالا می‌رفت. برای پیدا کردن گنج باید تمام کتاب‌ها را می‌گشت...* (ص. ۱۱)، اما در داستان «*چوپان دروغگو*» که سرگذشت نمادین چوپانی است محکوم به گفتن ابدی دروغی که در کتاب درسی گفته است؛ چوپان در حالی که دستش را روی قلبش می‌فشرد با خود می‌گوید: «*این دروغ لعنتی که من سال‌ها پیش در کتاب‌های درسی گفتم، آخر مرا می‌کشد!*» (ص. ۳۱). با توصیفی که بیان شد به نظر می‌رسد اثرگذاری عناصر مرتبط با خواندن در این مجموعه کم‌رنگ باشد.

ته خیال (۱۳۹۳): به قلم علی اکبر علامتی، نشر البرز. داستان شامل گفتگوهای ذهنی و بیان درونیات نویسنده‌ای است که به مسائلی نظیر کیفیت زندگی خانوادگی خود و جایگاهش پس از مرگ در نزد خانواده و البته سرنوشت کتاب‌هایش پس از مرگ می‌اندیشد. اشارات مکرر به کتاب‌های داستان و نام بردن از رمان‌های معروف ادبیات جهان و ایران و نیز حضور پیوسته اسامی نویسندگانی نام‌آور نظیر شکسپیر، شوخولف، پوشکین و غیره در واگویه‌های ذهنی نویسنده باعث جمع شدن حواس مخاطب به کتاب و کتاب‌خواندن می‌شود. حرفه نویسندگی شخصیت اصلی و دغدغه او برای چاپ آثار و نوشته‌هایش و نیز دلبستگی فراوان وی به کتاب‌ها و کتابخانه شخصی‌اش ایجاد کننده حسی مثبت در مخاطب نسبت به کتاب و به خصوص رمان است. از سویی در بخشی از این کتاب درباره کتابخانه عمومی چنین آمده است: «کتاب‌هایم را آیا فرزندانم خواهند خواند و گردی از رویشان خواهند سترد یا تقدیم کتابخانه‌ی عمومی خواهند کرد؟»، «چراغی که به خانه رواست به مسجد حرام است»، «آخرین وسوسه مسیح چه به درد کتابخانه‌ی عمومی می‌خورد مثلاً؟» (ص. ۱۴۲). این جمله تا حدی ممکن است القا کننده حسی منفی درباره کتابخانه عمومی باشد. چه آن که شخصیت اصلی، کتابخانه را انباری فرض کرده که کتاب در آن خاک می‌خورد و خوانده نمی‌شود! از مجموع شواهد که بخشی از آن‌ها ذکر شد، می‌توان چنین جمع‌بندی کرد که اثرگذاری عناصر مرتبط با خواندن در این اثر زیاد است اگر چه گاه القاء کننده حس منفی نیز باشد. شخصیت نویسنده، اما به شکلی خنثی توصیف شده است.

خدا با ماست (۱۳۹۳): رمانی است عامه‌پسند نوشته نسرين جهانفر که توسط خود او به چاپ رسیده است. داستان راجع به دختری است که به دلیل رفتارهای اشتباه و زودباوری در زندگی مشترک شکست می‌خورد. تنها کد استفاده شده در این داستان «کتاب (شیء)» است. دختر برای فرار از پرسش‌های مادرش، اظهار می‌کند که قصد وی از خارج شدن از منزل، خرید کتاب است؛ اما در واقع با پسر همسایه قرار دارد. در بخش‌های دیگر داستان هم شخصیت اصلی از درس خواندن و شرکت در آزمون ورودی دانشگاه سرباز می‌زند زیرا معتقد است انسان از طریق کسب تجربه راحت‌تر می‌تواند به موفقیت دست یابد. در پایان و پس از تحمل شکست‌ها و ناکامی‌های مکرر تصمیم می‌گیرد درس بخواند و وارد دانشگاه شود. در واقع داستان بازگشتی است از زمان حال، وقتی شخصیت اصلی داستان یک معلم است و سرگذشت خود را برای شاگردان خود نقل می‌کند. به طور کلی در این داستان، کتاب و سایر عناصر مرتبط با خواندن نقشی خنثی ایفا می‌کنند و جایی هم که نقشی تأثیرگذار دارند در قالب کتاب‌های درسی و آمادگی آزمون ظاهر می‌شوند نه به عنوان عملی ارزشمند که می‌تواند در زندگی افراد نقشی به مراتب پررنگ‌تر ایفا کند. استفاده از این عناصر نقش اثرگذاری در شکل‌گیری و پیشبرد حوادث داستان ندارد و حذف چند سطری که در آن‌ها راجع به کتاب‌ها صحبت شده، آسیبی به شاکله داستان نمی‌زند، بر این اساس، اثرگذاری در حد کم‌رنگ ارزیابی شد.

دلیل بودنم (۱۳۹۴): به قلم مرضیه قنبری از انتشارات علی. داستانی است در قالب عامه‌پسند. سرگذشت دختری را روایت می‌کند که به دلیل مشکلات خانوادگی و به بهانه رسیدگی به امور مالی خانواده مدتی را به مسافرت خارج از کشور می‌رود؛ اما در آنجا دل‌بسته پسری از آشنایان و اقوام شده و با وی ازدواج می‌کند. باقی داستان صرف پرداختن به روابط مشترک آن دو و توصیف بی‌کم و کاست خوشبختی ایشان می‌شود. در تمام این داستان ۸۷۲ صفحه‌ای فقط یک بار به واژه کتاب و قفسه کتاب اشاره شده است. در صفحه ۴۱۲ از این کتاب آمده است: ... *ساندویچ‌ها را خوردم و روی تخت دراز کشیدم، کتابی که از کتابخانه اهورا برداشته بودم را باز کردم و شروع به خواندن نمودم. عادت بدی بود اما هر وقت شب‌ها کتاب می‌خواندم خوابم می‌گرفت انگار که کسی برایم لالایی بخواند، چشمانم گرم می‌شد. در هر صورت مطمئناً حضور یا نبود این چند خط تأثیری در روند حوادث یک رمان با این حجم ندارد و اثرگذاری آن اندک است.*

پسران دوزخ: فرزندان قابیل (۱۳۹۴): داستانی است به قلم مجید پورولی، نشر عماد فردا. شخصیت اصلی این داستان زنی سنی مذهب از قبیله‌ای تندرو است که از طرف رئیس قبیله مأمور می‌شود تا زن متفکر شیعه که متهم به قتل عمه حمیرا (یکی از زنان برجسته اهل سنت) است را بکشد. در آخرین لحظات فرصتی پیش می‌آید تا این دو زن بتوانند با هم صحبت کنند و همین مجال کوتاه کافی است تا فاطمه (زن شیعه) به وی ثابت کند که حمیرا را نکشته است. قسمت عمده کتاب حول مباحث عقیدتی می‌گردد و اختلاف عقاید دو مذهب تشیع و تسنن را با بررسی کتب مطرح آن دو مورد بررسی قرار می‌دهد. حمیرا زنی است بسیار کتابخوان و علاقه‌مند به مباحثه و مطالعه که این ویژگی شخصیتی او باعث شده در مباحثاتی که با فاطمه دارد سخن حق را بپذیرد و قانع شود. وی همچنین به خاطر علاقه زیاد به کتاب، کتابدار کتابخانه دانشگاه می‌شود و سپس به دلیل شایستگی به سمت رئیس کتابخانه می‌رسد. از نقاط قوت این شخصیت آن است که با وجود جایگاه والایی که در میان اهل تسنن دارد با آغوش باز به استقبال مباحثه می‌رود و به دلیل تصمیم‌گیری بر اساس عقل و منطق و نه احساسات، عقاید فاطمه را می‌پذیرد. به طور کلی، در این داستان هر دو شخصیت فاطمه و حمیرا که در کسوت کتابدار ظاهر می‌شود، شخصیت‌هایی مثبت و محترم هستند. حمیرا همچنین یک کتابخانه شخصی و پنهان دارد که محل ملاقات‌های او و فاطمه است، وی نام این کتابخانه را «دالان کتاب» گذاشته است. بنابراین در هر کجای داستان که عبارت «دالان کتاب» به کار برده می‌شود، ذهن مخاطب متوجه کتابخانه‌ای اسرارآمیز با انبوهی از کتاب‌های خطی، نایاب، ارزشمند و کهن است که می‌تواند روشن‌کننده ذهن و آرامش‌دهنده قلب باشد. چه آن که در بخشی از کتاب آمده است: ... گاهی اشاره می‌کرد به سرش و بعد به قلبش و می‌گفت: هرچه توی سرم هست و هرچه به آن دل داده‌ام از همان کتاب‌هاست (ص. ۵۴). به طور کلی با وجود این که هیچ توضیحی درباره ساختمان و محیط کتابخانه‌ها در این



داستان داده نشده، اما هر بار که نام کتابخانه یا دالان کتاب در این رمان می‌آید ذهن مخاطب از فضای آمیخته به ترس و خشونت و جاهلیت حاکم بر فضای داستان به سمت آرامش و تعقل متوجه می‌شود. به دلیل ماهیت داستان که بحث بر سر محتوای کتاب‌های دو مذهب است، واژه کتاب به کرات در متن به چشم می‌خورد. نویسنده در این کتاب اشاره هوشمندانه‌ای هم به این حقیقت دارد که: هر قدر که یک کتاب خوب می‌تواند در یاری رساندن به بشر برای رسیدن به سعادت مفید فایده باشد، به همان اندازه یک کتاب بد می‌تواند هموارکننده مسیر شقاوت و گمراهی باشد. این قصه با حرکت شخصیت اصلی داستان به سمت دالان کتاب پایان می‌یابد. کتابخانه نیز نقشی پررنگ در این داستان دارد و به نوعی نماد آگاهی و دانایی معرفی می‌شود؛ جایگاه مقدس و نورانی به تصویر کشیده شده از کتابخانه در این داستان باعث ایجاد نگرشی مثبت در ذهن مخاطب درباره این مکان و حرفه کتابداری می‌شود. از آنجا که حذف کتاب و کتابخوانی از داستان مساوی با از بین رفتن چهارچوب اصلی آن و به دنبال آن بی‌معنی جلوه کردن سایر حوادث است، می‌توان نقش این عناصر در روند حوادث را بسیار اثرگذار ارزیابی کرد.

بنی‌آدم (۱۳۹۴): مجموعه داستان کوتاه به قلم محمود دولت‌آبادی از نشر چشمه. اولین داستان این مجموعه با نام «مولی و شازده» سرگذشت مردی را بیان می‌کند که در یک نیمه‌شب زمستان از پنجره منزل خود شاهد تلاش‌های مردی عجیب و غیرعادی برای پایین کشیدن پرچم آن سوی خیابان است. تنها در بخشی از این داستان کوتاه (پاراگراف اول) نویسنده نحوه ظاهر شدن مرد عجیب‌الخلقه پای میله پرچم را به تصویرسازی داستان‌های کافکا و بورشرت تشبیه می‌کند که تأثیری بر رخداد حوادث بعدی داستان ندارد و این تشبیه تنها نویسنده را در فضا سازی مختصر آن بخش از داستان یاری کرده است و نه بیشتر.

شب پره‌ها (۱۳۹۵): نوشته مرتضی مؤدب‌پور، نشر نیریز. رمانی عامه‌پسند درباره دو پسرعمو به نام‌های کاوه و بهزاد است که در یک مهمانی دل‌باخته دو دختر خیابانی می‌شوند! این کتاب فاقد تمام واژگان مورد انتظار است و تنها در صفحات انتهایی کتاب وقتی دختران داستان، پسرها را در ازای پول گروگان گرفته‌اند چندبار عبارت خواندن روزنامه تکرار شده است که تأثیر خاصی بر روند حوادث داستان ندارد و شخصیت‌ها تنها برای تمسخر قیمت‌ها و گذراندن وقت، آگهی‌های روزنامه‌های باطله مربوط به سال‌ها قبل را برای یکدیگر می‌خوانند.

بمب، باران (۱۳۹۵): داستانی است از رامین کاوه، انتشارات اندیشه درخشان. داستان زندگی پسری را روایت می‌کند که به دلیل شروع جنگ عراق علیه ایران دستخوش تغییر می‌شود. شخصیت اصلی خاله‌ای دارد که چندبار در داستان به کتاب‌خواندن وی اشاره می‌شود؛ «چون هم خاله بسیار مهربان است و کلی قصه و ماجرا بلد است. زیاد کتاب می‌خواند و برای سعید هم همیشه کتاب کادو می‌آورد.» (ص. ۱۷) «در حیاط باز

شد و خاله که برای خرید کتاب و مجله بیرون رفته بود، داخل شد.» (ص. ۴۸). به جز این دو جمله در جای دیگری از داستان صحبتی از کتاب، خواندن و یا به کتابخانه رفتن به چشم نمی‌خورد و محتوای این دو جمله نیز بیشتر کارکرد توصیف صحنه و شخصیت را دارد و حضور یا حذف آن خللی در روند حوادث داستان ایجاد نمی‌کند؛ از این رو اثرگذاری عناصر کم‌رنگ ارزیابی شده است. در عین حال شخصیت خاله به عنوان دختری عاقل و مهربان تصویر شده است که با توجه به علاقه‌اش به کتاب خواندن می‌تواند حس مثبتی در مخاطب ایجاد کند.

اما در میان آثار ترجمه شده، کمترین تعداد استفاده از این عناصر در نمایشنامه «کلیدداران» و بیشترین تعداد استفاده از این عناصر به رمان «تنهایی پرهیاهو» بازمی‌گردد. از میان ۱۷ اثر بررسی شده تنها یک اثر به دلیل نداشتن کد، از فرایند تحلیل حذف شد. در جدول ۲ خلاصه کدهای شناسایی شده و چگونگی حضور آن‌ها در روند داستان آمده است.

جدول ۲. کیفیت عناصر استخراج شده از آثار ترجمه شده

ردیف	عنوان	عناصر مورد اشاره	اثرگذاری	شخصیت (کتابدار، کتابفروش و ...)
۱	دلباختگان	اشاره به دو عنصر خواندن و کتاب (شیء)	کم	-
۲	پویندگان عشق	اشاره به سه عنصر خواندن، کتاب (شیء) و نویسندگی	متوسط	مثبت
۳	سیاه‌جامگان	اشاره به عنصر کتاب (شیء)	کم	-
۴	کلیدداران	اشاره به عنصر کتاب (شیء)	کم	-
۵	فارست گامپ	اشاره به دو عنصر کتاب (شیء) و خواندن	کم	-
۶	آب‌های ناشناخته	اشاره به دو عنصر خواندن، کتاب (شیء)	کم	-
۷	دزیره جلد ۱ و ۲	اشاره به عناصر خواندن، کتاب (شیء)، نویسندگی و کتابدار	زیاد	خنثی
۸	لیخد زوزفین	فاقد عنصر	-	-
۹	رکوئیم یک توهم	اشاره به عناصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (مکان) و نویسندگی	زیاد	خنثی
۱۰	چرا اینجا همه‌چی اینجوریه؟	اشاره به دو عنصر خواندن و نویسندگی	کم	مثبت
۱۱	گرگ تنها	اشاره به عناصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (شیء)، کتابفروشی و نویسندگی	زیاد	مثبت
۱۲ و ۱۳	تصویر دوربان گری	اشاره به چهار عنصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (شیء) و نویسندگی	زیاد	خنثی
۱۴	صد سال تنهایی	اشاره به عناصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (شیء)، کتابفروشی و کتابفروش	متوسط	مثبت
۱۵	عشق جاوید است	اشاره به سه عنصر خواندن و کتاب (شیء) و کتابخانه (مکان)	زیاد	-
۱۶	ملت عشق	اشاره به عناصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه	زیاد	مثبت

شخصیت (کتابدار، کتابفروش و ...)	اثرگذاری	عناصر مورد اشاره	عنوان	شماره
		(مکان)، کتابفروشی، کتابفروش، نویسندگی و ویراستار ادبی		
مثبت	زیاد	اشاره به چهار عنصر خواندن، کتاب (شیء)، کتابخانه (مکان) و کتابدار	تنهایی پرهیا هو	۱۷

در ادامه، به منظور درک بهتر چگونگی بازنمایی این عناصر در هر یک از آثار ترجمه‌شده تحلیلی از چگونگی حضور این عناصر در بافت داستان بیان می‌شود.

دلباختگان (۱۳۹۰): به قلم جرجی زیدان، انتشارات پل. شخصیت اصلی داستان دختری به نام فلوراندا است که پادشاه آندلس، رودریک، سرپرستی وی را برعهده دارد. وی دلباخته پسری است و انتظار او را می‌کشد اما رودریک قصد دارد فلوراندا را تصاحب کند! در سراسر رمان تنها چندبار اشاره به خواندن کتاب می‌شود (ص. ۶۷، ۱۰۹ و ۱۲۶) که البته تأثیری بر روند حوادث داستان ندارد. در قسمتی از داستان، پادشاه به اطاق فلوراندا می‌آید و قصد تعدی به وی را دارد؛ اما، فلوراندا که به خاطر آنس با کتاب مقدس (انجیل) دختری باایمان و خداترس است تن به خواسته رودریک نمی‌دهد. این بخش کوتاه از داستان تنها بخشی از کتاب است که مطالعات گذشته یکی از شخصیت‌ها بر کیفیت زندگی حال وی تأثیری مثبت می‌گذارد. در مجموع، اثرگذاری عناصر مورد اشاره در روند داستان اندک است.

پویندگان عشق (۱۳۹۰): به قلم جرجی زیدان، انتشارات پل. داستان، روایتگر روزهای پایانی امپراطوری عثمانی و به نتیجه رسیدن مبارزات آزادی‌خواهان است. شخصیت اصلی داستان دختری تحصیل‌کرده و آزاداندیش به نام شیرین است که با وجود خانواده و پدر سلطنت‌طلب‌اش دلباخته مبارز آزادی‌خواهی به نام رامز می‌شود که برای روزنامه‌های مخالف پادشاهی مقاله‌های انتقادی می‌نویسد. در این رمان، نوشتن مقاله و خواندن روزنامه نقشی مؤثر بر روند حوادث داستان دارند. رامز به دلیل نوشتن مطالب ممنوعه و چاپ آن در روزنامه دستگیر و زندانی می‌شود. البته در طول رمان هیچ‌کجا اشاره‌ای مستقیم به خواندن مقالات رامز نشده است و در واقع تنها مخاطبی که در کتاب به آن اشاره می‌شود شیرین است؛ اما آنچه مسلم است این که مطبوعات نقشی مؤثر در تحقق جنبش‌های اجتماعی و به ثمر رسیدن اعتراضات و انتقادات دارند. همچنین عبدالحمید (پادشاه عثمانی) برای گذراندن اوقات فراغت خود علاوه بر خواندن نامه‌ها و گزارش‌های ارسالی از اوضاع مملکت (که به عنوان کد شمارش نشده است) به مطالعه کتاب‌هایی از ماکیاولی<sup>۱</sup> می‌پردازد. احتمالاً

1. Machiavelli

فیلسوف، شاعر و نمایشنامه‌نویس ایتالیایی (۱۵۳۷-۱۶۲۹) است. از جمله آثار او می‌توان به کتاب «شهریار» اشاره کرد. وی را به علت نظریاتش در سیاست، حامی شیوه حکومتی اقتدارگرا و ستمگر می‌دانند.

قصد نویسنده از گنجاندن چنین بخش‌هایی در داستان، معرفی شخصیت ظالم و ستمگر این پادشاه عثمانی بوده است. هر چند در این بخش‌ها حضور «کتاب» به دلیل تأثیراتی که تفکرات ماکیاولیستی بر شیوه حکومت عبدالحمید می‌گذارد منفی است؛ حضور عناصر مرتبط با خواندن و مطالعه اگرچه ایفاگر نقش نسبتاً مهمی در روند حوادث داستان است اما محور اصلی داستان بر عشق شیرین و رامز و ظلم و ستم پادشاه وقت عثمانی می‌گردد. بنابراین، نقش این مفاهیم در داستان متوسط ارزیابی شد. از سویی، قهرمان داستان (رامز) که شغل اصلی او نویسندگی است و از این توانایی خود برای بیان عقاید و افشای ظلم شاه ستمگر استفاده می‌کند از ویژگی مثبت شجاعت، آزادی‌خواهی و روشننگری برخوردار است.

سیاه‌جامگان (۱۳۹۰): به قلم جرجی زیدان، انتشارات پل. سرگذشت ابومسلم خراسانی و قیام وی را از دیدگاه دختری روایت می‌کند که دل‌باخته او می‌شود. تنها عنصر مورد اشاره در این رمان، واژه کتاب است که در اسباب و وسایل یک غیبگو در کنار رمل، اسطرلاب و سایر وسایل جادو و غیب‌گویی حضور دارد. مسلماً حضور یا نبود این کتاب بر روند حوادث داستان و قیام ابومسلم بی‌تأثیر است لذا اثرگذاری، اندک ارزیابی می‌شود.

کلیدداران (۱۳۹۱): نمایشنامه‌ای به قلم میلان کوندرا<sup>۱</sup> از نشر قطره است. در این نمایشنامه نقشی اصلی و کلیدی وجود ندارد و تمام اعضای یک خانواده از اهمیت یکسانی در روند نمایش برخوردارند. تنها بخشی که از کتاب در آن استفاده شده، توصیف صحنه پرده اول نمایش است: *روی میز اطاق زوج جوان یک تلفن، یک گرامافون و تعدادی کتاب و کاغذ قرار دارد (ص. ۱)*. بر این اساس، اثرگذاری عناصر در روند داستان اندک است.

فارست گامپ (۱۳۹۱): به قلم وینستون گروم<sup>۲</sup>، ناشر طاهریان. شخصیت اصلی این داستان مردی است که با وجود بهره‌هوشی پایین در برخی موارد یک نابغه به حساب می‌آید. این وضعیت متناقض باعث ایجاد سوءتفاهم‌ها و کژفهمی‌های بسیاری می‌شود و پیوسته فارست را به دردسر می‌اندازد. در بخشی از داستان از فارست به علت فیزیک خاص بدنی دعوت می‌شود نقش دلقک را در نمایش «شاه لیر» در یک تئاتر دانشگاهی بازی کند. این بخش از رمان به دلیل اشاراتی به کتاب «شاه لیر»، دارای تعدادی کد است که البته نقش چندان مهمی در روند حوادث بعدی ندارد. نقش «کتاب» در این بخش نقشی خنثی به نظر می‌رسد. در بخش‌های دیگری از داستان نیز فارست ناچار می‌شود برای گذاردن چند واحد درسی در یک دانشگاه نظامی کتاب‌هایی را مطالعه کند که او از پس این کار به خوبی برمی‌آید و این باعث تعجب استاد وی می‌شود. با

1. Milan Kundera  
2. Winston Groom

توجه به گستردگی و تنوع اتفاقات داستان و نیز حجم کتاب، عناصر مورد اشاره اثرگذاری اندکی دارند و اشاره نویسنده به مطالعه فارست نیز بیشتر برای تفهیم نابغه بودن وی است.

آب‌های ناشناخته (۱۳۹۱): اثر جان اتریج<sup>۱</sup>، انتشارات مکث نظر. داستان‌هایی کوتاه درباره یک مرد اروپایی است که پس از سفر به ایران و آشنایی با مردمان نیک و فرهنگ غنی این سرزمین تصمیم می‌گیرد در اینجا ساکن شود و برای گذران امور به تدریس زبان می‌پردازد. در خلال وقایع داستان به جز یک مورد که از «کتاب» به عنوان یک شیء یاد می‌شود (ص. ۱۸)، هیچ اشاره مستقیمی به عناصر مرتبط با خواندن نشده است تنها در بخشی از کتاب یک جمله راجع به «کتاب» و «معلم» بیان شده است که دارای بار معنایی بسیار مثبت است: ... / او به من آموخت که یک معلم لزوماً از یک کتاب بهتر نیست. یک معلم نابغه، خود یک کتاب است (در داستان واخوردگی، ص. ۲۲). این جمله در تقابل با طرز تفکر نویسنده بیان شده است؛ زیرا وی در ابتدا گمان می‌کند اگر تنها بخواهد مطالبی را به شاگردان خود بیاموزد معلم موفقی نبوده است و این هدف به وسیله یک کتاب هم میسر است. وی معتقد است یک معلم برای موفق بودن باید چیزی فراتر از یک کتاب باشد، اما در انتها می‌آموزد معلم خوب و نابغه فردی است که بتواند در حد و شأن یک کتاب عمل کند و تماماً آموزش دهنده نیکی‌ها و خوبی‌ها باشد. در واقع مثل یک «کتاب» بودن هدف و مقصد نهایی معلمی است که به دنبال بهترین بودن است. اشاره به عنصر کتاب تأثیری در روند داستان ندارد و با توجه به حجم کتاب می‌توان اثرگذاری آن را اندک ارزیابی کرد.

دزیره (جلد ۱ و ۲) (۱۳۹۲): نوشته آنماری سلینکو<sup>۲</sup>، نشر افق. رمان دزیره یکی از رمان‌های مشهور و پرطرفدار است که به دلیل تقاضای بازار تا به حال توسط انتشاراتی‌های مختلف و با شمارگان بالا به چاپ رسیده است. همان‌طور که از عنوان اثر پیدا است این کتاب شرح زندگانی دزیره دختر موردعلاقه ناپلئون بناپارت<sup>۳</sup> است. در این رمان واژه‌های کتاب و نیز خواندن و مطالعه کردن کتاب‌های مختلف به کرات به چشم می‌خورد. دزیره و ناپلئون در ابتدای آشنایی خود اوقات بسیاری را صرف مباحثه و تبادل نظر راجع به کتاب‌هایی که خوانده‌اند می‌کنند، به یکدیگر کتاب امانت و هدیه می‌دهند و فعالیت اصلی ایشان در وقت فراغت مطالعه است. به جز واژه «کتاب» به عنوان یک شیء که در طول داستان چندین بار و در مکان‌های مختلف (اغلب اطاق و میز کار ناپلئون) به چشم می‌خورد، مطالعه و مراجعه به کتاب مقدس نیز چند بار تکرار شده است. همچنین در بخشی از کتاب (ص. ۳۹۱) اشاره‌ای به نویسندگی ناپلئون و تلاش او برای تهیه کتابی درباره زندان‌ها شده است که البته این کتاب مربوط به وظایف کشوری وی می‌شود. در چند بخش از کتاب

1. John Etheridge  
2. Annemarie Selinko  
3. Napoleon Bonaparte

برای بیان فضایل اخلاقی اشخاص مختلف به مطالعات زیاد ایشان و دامنه گسترده اطلاعات آن اشاره شده است. بر این اساس اثرگذاری عناصر مرتبط با خواندن در این کتاب قابل توجه است. این رمان همچنین دارای شخصیتی با عنوان «کتابخوان» است که شخصیتی خنثی دارد. گویا در آن زمان و در میان اشراف مرسوم بوده، فردی را به عنوان کتابخوان استخدام کنند تا در هنگام صرف صبحانه یا نوشیدن چای بعد از ظهر برای ایشان کتاب‌های مورد علاقه آن‌ها را بلند بخواند. این امر می‌تواند حاکی از جایگاه کتابخوانی در آن زمان باشد. به طوری که مطالعه زیاد، داشتن کتابخانه‌های بزرگ و کتاب‌های فراوان و نیز استخدام کتابخوان‌ها به نوعی نشانی از منزلت اجتماعی طبقه اشراف بوده است؛ اما حضور کتابخوان‌ها در شکل‌گیری و روند حوادث داستان نقشی ندارد و این افراد در واقع طبقه‌ای از کنیزها یا خدمتکاران به شمار می‌آیند که به دلیل توانایی خواندن و نوشتن عنوان کتابخوان را به خود گرفته‌اند.

رکوئیم - یک توهم (۱۳۹۳): نوشته آنتونیو تابوکی<sup>۱</sup>، انتشارات کتاب خورشید. داستان، روایت یک روز از زندگی مردی است که در خانه دراز کشیده و مشغول مطالعه کتابی است؛ اما ناگهان به جهان ذهنی خود و کتاب پرتاب می‌شود و داستان با شخصیت‌های خیالی ادامه می‌یابد. داستان دارای کشش و جاذبه است و نیز از ساخت خوبی برخوردار است. به دلیل بستر منحصر به فرد داستان، واژه‌هایی نظیر خواندن، مطالعه کردن و نیز کتاب و مجله بسیار پرتکرار هستند. گذشتن «کتاب‌ها» از مرزهای سطحی‌ای چون (تنها) خوانده شدن و تبدیل شدن آن‌ها به بخشی از زندگی خواننده و نیز تعامل یافتن و درک کردن شخصیت‌های یک داستان در جهان اطراف اتفاق هیجان‌انگیزی است که نویسنده آن را دستمایه داستان خود قرار داده است و از آن برای افزایش تأثیرگذاری اثر خود استفاده کرده است. چه آن که مخاطب کتاب «رکوئیم» نیز همچون شخصیت اول آن با کتاب‌ها و شخصیت‌های آن درگیر می‌شود و به جهان پر رمز و راز آن‌ها پا می‌گذارد. در بخشی از کتاب هم به وجود یک کتابخانه (مکان) اشاره شده است. از آنجا که موضوع اصلی داستان یکی شدن جهان راوی با جهان کتابی است که مشغول خواندن آن است و اساساً این ایده که مردی به درون کتابی که می‌خواند پرتاب می‌شود، شاکله اصلی کتاب رکوئیم - یک توهم است، می‌توان نتیجه گرفت اثرگذاری مفاهیم مرتبط با کتاب و کتاب خواندن بر این داستان زیاد است؛ چه آن که اگر ایده اولیه کتاب خواندن را از آن بگیریم دیگر داستانی نخواهد ماند!

چرا اینجا همه چی اینجوریه؟ (۱۳۹۳): نوشته کیم مونسو<sup>۲</sup> از نشر مان کتاب. این کتاب مجموعه‌ای از داستان‌های کوتاه است که با زبانی ساده و روان نگاشته شده‌اند. اولین داستان از این مجموعه تحت عنوان

1. Antonio Tabucchi

2. Quim Monzo

«سی سطر» دغدغه ذهنی نویسنده‌ای را بیان می‌کند که برای اولین بار قصد نوشتن یک داستان کوتاه را دارد. شخصیت نویسنده در قصه فاقد رذیلت اخلاقی خاصی است و از طرفی ویژگی مثبت چشمگیری در وی دیده نمی‌شود؛ در واقع او مردی در به در و تنها نمایش داده می‌شود که در حرفه خود با کمبود ایده مواجه شده و از نوشتن یک داستان کوتاه سی سطر عجز مانده است! با توجه به توصیف نویسنده از این شخصیت و فضای کلی این داستان، شخصیت نویسنده خنثی ارزیابی شد. اگرچه به فراخور حرفه شخصیت اول داستان از واژگان نویسندگی و نوشتن زیاد استفاده شده اما حرفی از خواندن و کتاب به میان نیامده است و حتی نویسنده در مانده قصه، برای حل مشکل خود به مطالعه و کتاب خواندن روی نمی‌آورد و با وجود بستر مناسب قصه برای گنجاندن مفاهیم مرتبط با مطالعه، میزان استفاده از این عناصر در این قصه و در سایر داستان‌های کتاب اندک است. اگرچه واژه‌های نوشتن و تایپ کردن تکرار شده اما، با توجه به ماهیت داستان و زمینه اصلی آن (نوشتن داستان) باید گفت کدهای استخراج شده تأثیری مستقیم در پیشبرد داستان نداشته‌اند.

گرگ تنها (۱۳۹۳): به قلم جودی پیکولت<sup>۱</sup>، انتشارات یمین و ثمین. رمان در واقع فلاش بکی به گذشته یک پسر است که پدری دوستدار حیات وحش دارد. داستان از آنجا آغاز می‌شود که پدر خانواده در جریان یک حادثه رانندگی دچار مرگ مغزی شده است و اعضای خانواده باید برای اهدای اعضای او تصمیم بگیرند. شخصیت اصلی این داستان (ادوارد) معلم زبان انگلیسی در یکی از کشورهای آسیایی است که نویسنده به این بعد از شخصیت وی توجه خاصی ندارد. ادوارد از کودکی علاقه‌مند به کتاب خواندن و مطالعه است و بیشتر وقت خود را صرف خواندن کتاب می‌کند. البته این وجه از شخصیت او با توجه به درونگرا بودن او و نداشتن رابطه‌ای خوب با پدرش چندان مثبت به نظر نمی‌رسد. در واقع این حس به مخاطب القا می‌شود که او برای فرار از همراهی با پدر به کتاب خواندن پناه آورده است. در هر صورت این کتاب دوستی باعث می‌شود او بتواند در سنین نوجوانی شعر بگوید. پدر خانواده دوستدار حیاط وحش است که مدت دو سال را با یک گله گرگ زندگی می‌کند! و بعد راجع به این دو سال، کتابی با نام «گرگ تنها» می‌نویسد. حضور این کتاب تأثیری مثبت بر پیشبرد حوادث داستان دارد چه آن که باعث می‌شود ادوارد با وجه دیگری از شخصیت پدر آشنا شود و نیز به خواهر و برادر کمک می‌کند بتوانند بهترین تصمیم را درباره اهدای بدن پدرشان بگیرند.

تصویر دوربان گری (۱۳۹۴): اثر اسکار وایلد<sup>۲</sup> توسط انتشارات طاق بستان و افق. داستانی تمثیلی است درباره فناپذیری جسم و شکل‌پذیری روح آدمی. شخصیت اصلی داستان، جوانی زیبا و برازنده به نام دوربان است که در جریان یک اتفاق عجیب جوانی ابدی می‌یابد. در این رمان به دفعات از واژه کتابخانه استفاده شده

1. Jodi Picoult

2. Oscar Wilde

اما کتابخانه نه محلی تنها برای مطالعه کتاب بلکه بخشی از منزل مردمان آن دوران بوده است که از آن برای صرف چای و پذیرایی از مهمان‌ها استفاده می‌کردند. همچنین یکی از دوستان دوریان کتابی به او هدیه می‌دهد که خواندن آن تأثیری منفی بر شخصیت او می‌گذارد. خواندن این کتاب - که در تمام داستان با عنوان کتاب جلد چرمی از آن یاد می‌شود - عذاب وجدان را در دوریان می‌کشد و او را تبدیل به مردی عیاش و خوش‌گذران می‌کند که تنها برای لذت بردن و کامجویی زندگی می‌کند. در بخشی از کتاب آمده است: رنسانس روش‌های عجیبی در مسموم کردن می‌دانست. مسموم کردن با کلاه‌خود و مشعلی روشن، با دست‌کشی دست‌دوزی شده و بادزنی جواهرنشان، با عنبردان طلائی و زنجیر کهربایی. دوریان گری را کتابی مسموم کرده بود! (ص. ۲۶۵) این رمان در واقع به تأثیرگذاری کتاب‌ها اشاره دارد و در کنار سایر پیام‌ها به مخاطب یادآور می‌شود که یک کتاب (یا به طور کلی رسانه) نامناسب می‌تواند عواقب و تأثیرات جبران‌ناپذیری بر درونیات یک فرد داشته باشد. آنچه در این رمان جالب توجه است شخصیت قائل شدن برای یک کتاب (کتاب جلد چرمی) به عنوان شیئی مستقل است. سایه شوم و ماهیت اسرارآمیز کتابی که دوریان گری با خواندن آن تبدیل به انسانی دیوسیرت می‌شود تا پایان رمان لحظه‌ای خواننده را وانمی‌نهد! بر این اساس می‌توان چنین استنباط کرد که اثرگذاری عناصر مورد مطالعه در این کتاب زیاد است، اما در جای جای کتاب از عمل نویسندگی یاد شده است که این حرفه نیز با توجه به این که از فعالیت‌های عادی مردمان آن دوره به شمار می‌آمده تأثیری بر روند حوادث ندارد، لذا شخصیت نویسنده خنثی ارزیابی شد.

صد سال تنهایی (۱۳۹۴): نوشته گابریل گارسیا مارکز<sup>۱</sup> از انتشارات تلاش. رمانی نام آشنا و فراگیر که برای نویسنده خود نوبل ادبیات را به ارمغان آورد. این رمان به شرح زندگی شش نسل از خانواده بوئندیا می‌پردازد که نسل اول آن‌ها در دهکده‌ای به نام ماکوندو ساکن می‌شود. استفاده از واژه‌های کتاب و قفسه کتاب به صورت پراکنده در بخش‌های مختلف داستان به چشم می‌خورد که خنثی هستند و تأثیری بر روند حوادث داستان ندارند. در بخش‌های پایانی کتاب، شخصیتی به نام «دانشمند کاتالونیایی» به داستان اضافه می‌شود که یک کتابفروش است و اورلیانو برای به دست آوردن کتاب‌هایی نایاب به کتابفروشی او می‌رود. تصویری که از کتابفروشی در داستان ترسیم شده است تصویر یک کتابفروشی پر از گرد و غبار و بی‌هیچ نظم خاصی است. همچنین دانشمند کاتالونیایی مردی عجیب و کم‌حرف است که ظاهر رقت‌انگیزی دارد، اما رفته رفته اورلیانو و کتابفروش با هم ارتباط برقرار می‌کنند و دوستی آن دو و کتاب‌هایی که اورلیانو از او می‌خرد بخشی از حوادث آینده داستان را رقم می‌زند. بر این اساس می‌توان اثرگذاری عناصر مورد بررسی را متوسط



دانست. شخصیت حقیقی کتابفروش نیز که با دوستی اورلیانو با او از پس ظاهر فریبنده وی نمایان می‌شود، شخصیتی مثبت است که به خوبی اورلیانو و دغدغه‌های وی را درک می‌کند.

عشق جاوید است (۱۳۹۵): اثر اروینگ استون<sup>۱</sup>، نشر گل‌آذین. عشق جاوید است، داستان زندگی آبراهام لینکلن<sup>۲</sup> (شانزدهمین رئیس جمهور آمریکا) و همسرش ماری تاد<sup>۳</sup> است. به طور کلی کتاب خواندن در این داستان امری مثبت و پسندیده تلقی می‌شود و به جز استفاده پراکنده از کدهایی نظیر کتاب مقدس و کتاب به عنوان یک شیء، اغلب شخصیت‌های داستان اوقات فراغت خود را با خواندن پر می‌کنند. پس از به ریاست جمهوری رسیدن لینکلن نیز استفاده از فعل خواندن برای روزنامه افزایش می‌یابد. نکته قابل توجه در این اثر علاقه و اهتمام آبراهام لینکلن برای خواندن کتاب است. به طوری که او را از یک جوان روستایی بیسواد به یک وکیل و سپس نماینده مجلس تبدیل می‌کند. تلاش ماری تاد برای به دست آوردن و تهیه کتاب‌های مورد علاقه او جالب توجه است. به طور مثال، او برای افزودن کتابی به مجموعه خود ناگزیر آن را به طور سفارشی از فرانسه تهیه می‌کند. نام بردن از نویسندگان و کتاب‌های مطرح آن زمان مثل کلبه عمو تم، از دیگر ویژگی‌های مثبت این کتاب به شمار می‌آید.

ملت عشق (۱۳۹۵): داستانی از الیف شافاک<sup>۴</sup>، نشر ققنوس. یک داستان جذاب از دو ماجرای موازی؛ یکی در ایالت ماساچوست سال ۲۰۰۸ و دیگری در قونیه سال ۶۴۰ هجری. شخصیت اول داستان الای یک ویراستار ادبی است که وظیفه بازبینی کتاب‌ها قبل از چاپ را برعهده دارد. وی که زندگی خانوادگی از هم گسیخته‌ای را تجربه می‌کند به عنوان اولین کتاب شروع به خواندن رمان «ملت عشق» نوشته عزیز زاهارا می‌کند. درباره ملت عشق نمی‌توان گفت که خواندن کتاب بر روند داستان تأثیر می‌گذارد، بلکه بهتر است بگوییم داستان حول محور کتاب و خوانده شدن آن توسط الای می‌گردد. به بیانی مطالعه یک کتاب، زندگی آشفته و رو به ویرانی شخصیت اصلی را تغییر می‌دهد و این کتاب و شخصیت‌های آن منجی الای می‌شوند. در داستان مولانا و شمس، واژگانی نظیر خواندن کتاب و کتابخانه بسیار پرتکرارند. مولانا بیشتر جلسات مباحثه، سماع و چله‌های خود با شمس را در کتابخانه‌اش برگزار می‌کند. همچنین چند بار در خلال داستان به شکلی مستقیم به عشق و علاقه وافر مولانا به کتاب‌هایش اشاره می‌شود. الای نیز که از نوجوانی به خواندن علاقه داشته و عضو انجمن‌ها و کلوب‌های کتابخوانی بوده است، پیدا کردن شغلی مطابق با علاقه خود را شانس بزرگ می‌داند. خواندن این کتاب به الای جرأت را می‌دهد که زندگی‌ای که از آن ناراضی است را ترک کند، عاشق شود و

1. Irving Stone  
2. Abraham Lincoln  
3. Mary Todd Lincoln  
4. Elif Shafak

برای خود جهانی جدید خلق کند. جهانی مطابق با علایق و سلیق خود. شیفتگی الّا نسبت به کتاب باعث می‌شود با عزیز نامه‌نگاری کند. او در نامه‌های خود از عباراتی چون: با کلمه‌هایت به خواب رفتم، با کلمه‌هایت بیدار شدم (ص. ۴۲۱)، استفاده می‌کند که بسیار ترغیب‌کننده و تأثیرگذارند. از این بخش به بعد عزیز هم وارد داستان می‌شود و مخاطب در ادامه با یک نویسنده و یک ویراستار ادبی مواجه است که پیوسته با هم نامه‌نگاری می‌کنند و راجع به کتاب به تبادل نظر می‌پردازند. در این داستان یکبار از واژه کتابفروش استفاده شده است. پدر عزیز یک کتابفروش بوده و عزیز برای توصیف او از واژه «درون‌گرا» استفاده می‌کند. معرفی کتاب‌هایی نظیر «مثنوی معنوی» و «احیاء علوم الدین» در قالب داستان شمس و مولانا از دیگر نکات مثبت این رمان است. در بخش پایانی رمان نیز الّا تصمیم می‌گیرد علاوه بر ویراستاری به نویسندگی برای مجلات بپردازد که این نشان‌دهنده این حقیقت است که خواندن به نوشتن ختم می‌شود. ویراستار ادبی، نویسنده و سایر شخصیت‌های مرتبط با خواندن در این رمان انسان‌های فرهیخته و دارای شخصیت‌پردازی مثبت هستند. تنهایی پر هیاهو (۱۳۹۵): به قلم بوهمیل هرابال<sup>۱</sup>، نشر پارس کتاب. داستان مردی را روایت می‌کند که ۳۵ سال از عمر خود را صرف خمیر کردن کتاب‌های کهنه و کاغذهای باطله کرده است. تکرار بسیار زیاد واژه «کتاب» در این داستان گویای این حقیقت است که تقریباً تمام داستان و زمزمه‌های ذهنی شخصیت اصلی حول محور «کتاب» می‌چرخد. دغدغه اصلی شخصیت داستان حفظ کتاب‌های ارزشمند از تخریب و ایجاد یک شرایط ایده‌آل برای حفظ و نگهداری از آن‌هاست. او تلاش دارد در حد توان این عمل را در خانه کوچک و محقر خود انجام دهد. داستان شامل کنایه‌های نمادین به جامعه‌ای است که کتاب در آن بی‌ارزش و صرفاً نوعی وسیله تلقی می‌شود و نه چیزی که موجودیت دارد و نه تنها زنده است، بلکه می‌تواند زندگی ببخشد! در کتاب دو شخصیت «کتابدار» وجود دارند. اولی کتابدار کتابخانه‌ای در نزدیکی محل کار شخصیت اصلی داستان است، وی پیرمردی باوقار و خوش‌قلب است که با آغوش باز پذیرای کتاب‌هاییست که به آنجا تقدیم می‌شود و دومی کتابدار ارتش است که اگرچه اشاره مستقیمی به وجوه اخلاقی و شخصیتی وی نشده است اما مردی کمک‌رسان و مهربان به نظر می‌رسد. در بخشی از کتاب آمده است: ... مادرم نرم و زیبا راهی آسمان بود. قبل از حرکت تصمیم گرفتم سری به زیرزمین مرده‌سوزخانه بزنم. مگر نه آن که کارکنان این محل در زیرزمینشان با آدم‌ها همان کاری را می‌کردند که من در زیرزمین خودم با کتاب‌ها می‌کردم؟ (ص. ۱۳).

محوریت موضوع کتاب در این داستان، اثرگذاری عناصر مرتبط با خواندن را پررنگ جلوه می‌دهد. همچنین شخصیت کتابدار که در این داستان حضور دارد، شخصیتی مثبت است.

## نتیجه‌گیری

عوامل بسیاری بر افزایش یا کاهش رغبت افراد برای مطالعه مؤثر است اما از مهمترین این عوامل شیوه تربیتی است که بر مبنای آن فرد احساس اشتیاق درونی برای «خواندن» در خود احساس می‌کند یا برعکس هیچ رغبتی برای گذراندن اوقات خود با کتاب ندارد. ریشه‌های اصلی این احساس اشتیاق در کودکی شکل می‌گیرد و به زمان‌هایی که فرد در خانه و مدرسه می‌گذراند بازمی‌گردد اما گذشتن از سنین کودکی و تکامل رشد جسمی دلیل بر پایان شکل‌پذیری ابعاد روحی یک انسان نیست.

در بررسی به عمل آمده از داستان‌هایی که در هر دو گروه کتاب‌های تألیفی و ترجمه شده نگاشته شده‌اند آنچه بیش از همه جلب توجه می‌کند تنوع شخصیت اصلی داستان‌هاست. شخصیت اول در داستان‌های فارسی اغلب دختران و پسران جوانی هستند که درگیر ماجراهای عاطفی می‌شوند و تنها دو معلم و یک نویسنده در داستان‌های بلند تألیف شده به چشم می‌خورد؛ اما در آثار ترجمه شده، شخصیت‌های اصلی داستان حرفه‌های متنوع‌تری دارند و در مجموع آثار ترجمه‌شده، دو نویسنده، یک ویراستار ادبی، یک کارمند بخش خمیر کتاب و کاغذهای باطله و یک معلم به چشم می‌خورد. در هر دو گروه آثار، شخصیت‌های اصلی آدم‌های خوب و نیک‌رفتاری هستند که بعضاً خطاهایی مرتکب می‌شوند و یا تصمیم‌های اشتباهی می‌گیرند، البته کتاب «تصویر دوریان گری» از این قاعده مستثنی است و این داستان سیر نزول شخصیتی فردی را به نمایش می‌گذارد که در ابتدا انسان درستکاری است اما در ادامه تبدیل به انسانی دیوسیرت و بدذات می‌شود. در میان آثار تألیف شده، در دو داستان «ته خیال» و «پسران دوزخ: فرزندان قابیل»، خواندن کتاب، نوشتن داستان (ته خیال) و مقاله (پسران دوزخ ...) و کتابخانه نقشی تأثیرگذار در روند رخداد داستان دارند و در باقی این داستان‌ها حضور این عناصر نه تنها تأثیری بر روند داستان ندارند بلکه فاقد هرگونه جذابیت و القای حس مثبت به مخاطب است! گویی نویسنده تنها برای ادای یک فریضه از «خواندن» و یا سایر عناصر مرتبط با آن نام برده است. سپردن نقش محوری داستان به هریک از عناصر مرتبط با «خواندن» در میان آثار ترجمه شده بیشتر به چشم می‌خورد. به طور مثال، در رمان «پویندگان عشق»، مقاله‌های روشن‌گرانه و انتقادی رازم و سایر مبارزان است که توده‌های مردم را از ظلم پادشاه آگاه می‌سازد. همچنین در کتاب‌های «رکوثیم-یک توهم»، «گرگ تنها»، «تصویر دوریان گری»، «عشق جاوید است»، «ملت عشق» و «تنهایی پرهیاهو» خواندن کتاب (و البته فقط کتاب) است که منجر به رخداد حادثه اصلی می‌شود و اتفاقات بعدی داستان را از پی یکدیگر رقم می‌زند.

کلیشه‌های شخصیت کتابدار در اغلب آثار ادبیات داستانی غرب، زنانی مهربان و کمک‌رساننده هستند که صرفنظر از برخی ویژگی‌های ظاهری نظیر چاق، عینکی و یا متأهل بودن، به مخاطب حسی مثبت را القا

می‌کنند در این پژوهش نیز در مجموع آثار از ۳ شخصیت کتابدار به طور مستقیم در روند داستان استفاده شده که یکی زن و دوتای آن‌ها مردانی هستند که شخصیت‌هایی مشابه با شخصیت کتابدار در پژوهش‌های پیشین (هیلمن، ۱۹۷۵؛ یونتز، ۲۰۰۳) دارند. همچنین، نتایج یافته‌های پژوهش محسنیان (۱۳۸۳) در میان آثار فارسی زبان حاکی از آن بود که عناصر مرتبط با کتابداری و مطالعه حضور کمرنگی در ادبیات کودک و نوجوان و نیز کتاب‌های درسی دارند و از شخصیت‌هایی نظیر کتابدار اساساً آسمی آورده نشده است. یافته‌های پژوهش حاضر نیز این امر را در میان آثار ادبیات بزرگسال تأیید می‌کند و حضور این مفاهیم در آثار ادبی فارسی زبان حضوری بسیار کمرنگ داشته است. بخش قابل توجهی از پژوهش‌های انجام شده در خارج از کشور به بررسی شخصیت کتابداران باز می‌گردد (هیلمن، ۱۹۷۵؛ یونتز، ۲۰۰۳؛ الکساندر و پرزی، ۲۰۰۵؛ مینارد و مک‌کینا، ۲۰۰۵؛ شافر و کیسی، ۲۰۱۲؛ ولز، ۲۰۱۳؛ فریر، ۲۰۱۴) و حساسیتی نسبت به حضور یا نبود عناصر مرتبط با خواندن در ادبیات غرب چندان به چشم نمی‌خورد؛ اما بیشترین اهتمام در میان پژوهش‌های داخلی متمرکز بر وجود یا نبود عناصر مرتبط با خواندن است (مانند محسنیان، ۱۳۸۳؛ جوان‌بخت و دیگران، ۱۳۹۰؛ ندرلو، ۱۳۹۲). توجه به کمبودهای فرهنگی جامعه هدف و گنجاندن مفاهیم تعلیمی و آموزشی مرتبط با آن در خلال حوادث داستان و یا شکل‌دهی شخصیت قهرمان‌های داستان بر مبنای این نیازها می‌تواند نقشی بسیار تأثیرگذار بر مخاطبان و تغییر عادات نامطلوب و ایجاد رغبت نسبت به انجام رفتارهای صحیح در ایشان ایفا کند. انس گرفتن مخاطبان با قهرمانانی که کتابدارند یا قسمت زیادی از داستان را در کتابخانه سپری می‌کنند ایشان را به سمت این باور هدایت می‌کند که برای موفق بودن باید کتاب خواند؛ اما، یافته‌ها حاکی از آن است که با توجه به وضعیت موجود، بازنمایی مفاهیم مرتبط با خواندن، در آثار بررسی شده، نمی‌توان چنین کارکردی را از پرشمارگان‌ترین کتاب‌های بازار نشر امروز - به ویژه در گروه آثار تألیفی - انتظار داشت.

مینارد و مک‌کینا (۲۰۰۵) معتقدند کودکان و نوجوانان تمام عمر تحت تأثیر آنچه خوانده‌اند قرار می‌گیرند، بنابراین کاربست مضامینی که درمانی برای دردها و خلل‌های فرهنگی یک جامعه هستند می‌تواند نقشی اثرگذار در ارتقای فرهنگ یک ملت بازی کند. نویسندگان فارسی‌زبان نسبت به استفاده از شخصیت‌های کتابخوان، کتابدار یا دارای دغدغه‌هایی از این دست بسیار کم‌توجه‌تر از نویسندگان غیرفارسی‌زبان عمل کرده‌اند. همچنین حضور بسیار کمرنگ شخصیت کتابدار در تنها ۳ رمان از مجموع ۳۵ عنوان کتاب، نشان از کمرنگ شدن نقش این حرفه تأثیرگذار در جوامع امروزی دارد. ادبیات بر پایگاه و خواستگاه اصلی خود یعنی جامعه تأثیر می‌گذارد و از آن تأثیر می‌پذیرد. در نتیجه کمرنگ شدن حضور یک

حرفه یا شخصیت مثبت در داستان‌ها و قصه‌ها می‌تواند به مثابه زنگ خطری باشد برای کمرنگ شدن جایگاه و نقش آن حرفه و شخصیت در جامعه.

ناگفته نماند که مشکل کم‌توجهی به مطالعه و ایجاد اشتیاق خواندن، امروزه در کشورهای توسعه یافته و غربی نیز به یک معضل جدی تبدیل شده است؛ منصوریان در تحلیلی که بر کتاب «همچون یک داستان» نوشته دانیل پناک<sup>۱</sup> دارد، می‌نویسد: پناک با تکیه بر تجربه‌هایش در سال‌های تحصیل و تدریس، از والدین و مربیانی انتقاد می‌کند که به جای آن که مروج عشق به مطالعه باشند، لذت خواندن را در کودکان سرکوب می‌کنند. او به تجربه دریافته که بخش عمده‌ای از ناکامی هر برنامه درسی ناشی از ناتوانی در برقراری پیوند با رسانه «کتاب» است. کتاب که همچنان در کانون آموزش و یادگیری قرار دارد و نمی‌توان آن را از نهاد آموزش و پرورش کنار گذاشت، اما متأسفانه شیوه‌های آموزشی معمول به جای آن که مروج مطالعه باشند، دانش‌آموزان را از کتاب فراری می‌دهند (منصوریان، ۱۳۹۶).

بدیهی است که در چنین شرایطی، خانواده نقشی پررنگ در برطرف کردن نقایص و کمبودهای نظام آموزشی پیدا می‌کند. کودکانی که در مدرسه و از طریق معلم نمی‌آموزند (یا کمتر می‌آموزند) که بخوانند باید در خانه و توسط والدین یاد بگیرند و این مهم محقق نمی‌شود مگر با ایجاد آمادگی ذهنی و تربیت بزرگسالان یک جامعه.

با توجه به گزارش مؤسسه خانه کتاب از آثار پرشمارگان، نبض بازار نشر در حوزه کتب تألیفی در اختیار رمان‌های عامه‌پسند با موضوعات عاشقانه است. یافته‌ها، نشانگر آن است که بازنمایی مفاهیم مرتبط با خواندن در این آثار در سطح قابل قبولی نیست. این پژوهش و پژوهش‌هایی از این دست که مخاطبان آن حلقه‌های تأثیرگذار زنجیره تألیف و انتشار کتاب هستند، می‌تواند هشدار برای نویسندگان و ناشران باشد. ادامه بقای اصناف فرهنگی وابسته به فرهنگ‌سازی است و چنانچه نویسندگان نسبت به گنجاندن مقوله‌های مشوق خواندن در داستان‌ها و نیز ناشران نسبت به حمایت از این قبیل آثار اهتمام نورزند، به جرأت می‌توان نتیجه گرفت که عدم تولید محتوای جذاب و فرهنگ‌ساز در کنار مسائل اقتصادی و حذف شدن کالاهای فرهنگی از سبد خرید خانوار حیات این اصناف را با خطر مواجه می‌سازد.

بررسی پرفروش‌ترین آثار چاپ شده در بازار نشر ایران و مقایسه آن با پرفروش‌ترین آثار چاپ شده در کشورهای توسعه یافته (و نه ترجمه و چاپ شده در ایران) می‌تواند اطلاعات جالبی را درباره اختلاف سلیقه میان قشر کتابخوان در ایران و سایر کشورها به دست دهد و به عنوان موضوعی برای پژوهش‌های آتی پیشنهاد می‌شود. همچنین تحلیل موردی تمام آثار نویسندگانی که آثار آن‌ها پیوسته در فهرست پرفروش‌ها

قرار دارد یا برنده جوایز ادبی جشنواره‌های مختلف هستند نیز می‌تواند میزان اهتمام ایشان به کاربست مفاهیم و مقولاتی که در ارتباط با نقاط ضعف فرهنگی هستند را مشخص سازد.

## سپاسگزاری

اگر رصد پیوسته بازار نشر و دغدغه‌مند بودن نسبت به اخبار و آمار مربوط به حوزه کتاب را از اصلی‌ترین وظایف کتابداران متعهد بدانیم، لازم است از معاونت پژوهشی دانشگاه تربیت مدرس که زمینه پژوهش و بررسی این مهم را فراهم آوردند سپاسگزاری شود؛ همچنین نقش داوران گرانقدر این نشریه که با نظرات انتقادی خویش بر غنای مقاله افزودند شایسته تقدیر است.

## منابع

- البرزی، محبوبه؛ یوسفی، فاطمه (۱۳۹۶). بررسی مراحل حل مسئله و ویژگی‌های حل‌کنندگان مسئله در ادبیات کودکان ایران (بر مبنای بررسی و مقایسه داستان‌های تألیفی و ترجمه‌ای سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۸۰ رده‌های سنی ب و ج). *مطالعات ادبیات کودک*، ۸(۲)، ۵۵-۷۸.
- پریشانی، زینب (۱۳۹۲). مقایسه سینمای ایران و جهان از جهت میزان انعکاس موضوعات کتابداری. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران.
- تمام شاخص‌های کتابخوانی منفی شد! (۱۳۹۵، آذر ۱۵). بازیابی در خرداد ۱، ۱۳۹۶، از جام جم آنلاین: <http://www.jamejamonline.ir/online>
- حسینی‌فر، عبدالرحمان؛ ابوالحسنی، فاطمه (۱۳۹۰). بررسی نقش تلویزیون در حوزه نقد و شیوه مناظره. *مطالعات میان‌رشته‌ای در رسانه و فرهنگ*، ۲(۲۲)، ۲۱-۴۷.
- خورشیدیان، راثیکا؛ سوخکیان، هدایت؛ چوپانکاره، وحید؛ اژدری، علیرضا؛ امامی، جمشید (۱۳۹۳). نقش رسانه‌ها در هدایت فرهنگ عمومی (بررسی موردی: جریان مد در جامعه). *مطالعات بین‌رشته‌ای رسانه و فرهنگ*، ۴(۸)، ۷۳-۸۹.
- محسنیان، سرور (۱۳۸۳). بررسی نقش کتاب‌های درسی در دوره‌های ابتدایی و راهنمایی تحصیلی در ترغیب دانش‌آموزان به مطالعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن.
- منصوریان، یزدان (۱۳۹۶). تنها شرط آشتی با خواندن. *بخارا*، ۱۲۱، ۴۱۰-۴۲۰.
- ندرلو، زینب (۱۳۹۲). تحلیل محتوای گزیده‌ای از وبگاه‌های فرهنگی از نظر مضامین و مقوله‌های مرتبط با کتاب، کتابخانه و مطالعه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه خوارزمی، کرج.

## References

- Alborzi, M. & Yousefi, F. (2017). A Study of Problem-Solving Stages and the Characteristics of Problem Solvers in Children's stories in Iran: A Comparison of Persian and Translated Storybooks Published Between 1380-1385. *Journal of Children's Literature study*, 8(2), 55-78. (in Persian)

- Alexander, L. B., & Peresie, M. (2005). Librarian stereotypes in young adult literature. *Young Adult Library Services*, 4(1), 24-31.
- All reading indices were negative! (2016, December 5). Retrieved from <http://www.jamejamonline.ir/online>. (in Persian)
- Truth initiative (March 2018). As smoking rates decline, hollywood isn't getting the picture. Retrieved from truth initiative: <https://truthinitiative.org/news/smoking-rates-decline-hollywood-isnt-getting-picture>
- Edwi, N. & Siswanto, F. (2019). *International Journal of Learning, Teaching and Educational Research*. 8(10): 34-47. Retrieved from <https://doi.org/10.26803/ijlter.18.10.3>
- Freier, M. P. (2014). The Librarian in Rowling's Harry Potter Series. *CLCWeb: Comparative Literature and Culture*, 16(3). Retrieved from <https://doi.org/10.7771/1481-4374.2197>
- Hasanifar, A. & Abolhasani, E. (2011). Study of the Role Played by TV in the Field of Critique and the Style of Debate, *Interdisciplinary studies of media and culture*, 2(22), 21-47. (in Persian).
- Heylman, K. M. (1975). Librarians in Juvenile Literature. *School Library Journal*, 21(9), 8-25.
- Kim, J., & Wee, S. J. (2020). Silent voices of homelessness: content analysis of homelessness in children's picture books published in the US from 1990 to 2016. *Early Child Development and Care*, 190(3), 364-375. Retrieved from <https://doi.org/10.1080/03004430.2018.1473388>
- Khorshidian, R., Sookhakian, H., Choopankareh, V., Ajdari, A., & Emami, J. (2015). Fashion Trends in Society: A Case Study. *Interdisciplinary Studies in Media and Culture*, 4(8), 73-89. (in Persian)
- Mansorian, Y. (2017). The only condition for reconciliation with reading, *Bukhara*, 121, 410-420. (in Persian)
- Maynard, S., & McKenna, F. (2005). Mother Goose, Spud Murphy and the Librarian Knights: Representations of librarians and their libraries in modern children's fiction. *Journal of Librarianship and Information Science*, 37(3), 119-129.
- Onwuezezi, N. (December 4 2018). Publishers contribution to economy, report reveals. *The bookseller*. Retrieved from <https://www.thebookseller.com/news/industry-contributed-32bn-uk-economy-2016-683916>
- Mohsenian, S. (2004). *The Role of Textbooks in Elementary and Middle School Curriculum in Encouraging Students to read*. (MA thesis), Islamic Azad University, Iran. (in Persian)
- Naderlo, Z. (2013). Content analysis of selected cultural Websites for Books, Libraries, and reading Related Topics. (Mas thesis), Kharazmi University, Iran. (in Persian)
- Pandey, N., & Singh, G. (2017). Role and Impact of Media on Society: A Sociological Approach with Respect to Demonetisation. *Impact Journal*, 5 (10), 127-136.
- Parishani, Z. (2013). A Comparison of Iranian and World Cinema in Reflection of Library Science Topics (Mas thesis), Tarbiat Modares University, Iran. (in Persian)
- Richardson, E. A., & Wagner, S. (2011). Restricted Section: The Library as Presented in Harry Potter. Edinboro Potterfest Ravenclaw Conference. Retrieved from <https://digitalcommons.kent.edu/libpubs/2>.

- Shaffer, C., & Casey, O. (2012). Behind the glasses and beneath the bun: portrayals of librarians in popular cinema and a guide for developing a collection. *Collection Building*, 32(2), 39-45.
- Wells, J. (2013). The Female Librarian in Film: Has the Image Changed in 60 Years? (SLIS) *Student Research Journal*, 3(2). Retrieved from <http://scholarworks.sjsu.edu/slissrj/vol3/iss2/2>.
- Wirth, B. (2017). Librarian Stereotypes in Children's Literature: 2001-2015, *SLIS Connecting*, 6(2). Retrieved from <https://aquila.usm.edu/sliscconnecting/vol6/iss2/8>
- Yontz, E. (2003). Librarians in children's literature, 1909-2000. *The Reference Librarian*, 37(78), 85-96.

### پیوست

#### فهرست کتاب‌های تألیف شده مورد مطالعه در حوزه‌ی ادبیات داستانی به ترتیب سال نشر

ردیف	اطلاعات کتابشناختی	شمارگان
۱	امینیان، امیرشهریار (۱۳۹۰). کلاهی پراز گل یاس: مجموعه داستان. تهران: مهرآرمین	۵۵۰۰
۲	ناظمی، نرگس (۱۳۹۰). آغوش در هم شکسته. قم: قلم مکنون.	۵۰۰۰
۳	قنبرپور، ایمان (۱۳۹۰). اکسیر شرق. تهران: سرآغاز.	۵۰۰۰
۴	آل احمد، جلال (۱۳۹۱). مدیر مدرسه. تهران: کتاب نشر	۱۰۰۰۰۰
۵	مؤدب پور، مرتضی (۱۳۹۱). یاسمین. تهران: نیریز.	۱۰۰۰۰
۶	میرزایی، عبدالله (۱۳۹۱). مجموعه داستان هدف. تهران: عبدا... میرزایی	۱۰۰۰۰
۷	برخورداری، زینب (۱۳۹۲). جوا، چوا، خوا، خوا. تهران: الهدی.	۱۰۰۰۰
۸	احمدپور، مهدی (۱۳۹۲). پدر من بازاریه! (مجموعه داستان کوتاه). تهران: اندیشه پویا	۵۰۰۰
۹	احمدپور، مهدی (۱۳۹۲). قصه‌های زندگی: باریدن یا نیاریدن... مسئله این است! (مجموعه داستان کوتاه). تهران: اندیشه پویا.	۵۰۰۰
۱۰	ارشدی، لادن (۱۳۹۳). (یکتا) سرگذشت زندگی‌ام را بخوان. شیراز: امام‌زاده‌ای.	۱۰۰۰۰
۱۱	علامتی، علی اکبر (۱۳۹۳). ته خیال. تهران: البرز.	۷۰۰۰
۱۲	جهانفر، نسرین (۱۳۹۳). خدا با ماست. تهران: نسرین جهانفر.	۵۰۰۰
۱۳	قنبری، مرضیه (۱۳۹۴). دلیل بودنم. تهران: نشر علی.	۱۵۰۰۰
۱۴	پورولی، مجید (۱۳۹۴). پسران دوزخ: فرزندان قایم. تهران: عماد فردا.	۱۰۰۰۰
۱۵	دولت آبادی، محمود (۱۳۹۴). بنی آدم. تهران: چشمه.	۱۰۰۰۰
۱۶	علوی، لیلا (۱۳۹۵). وقتی عشق می‌بارد. اصفهان: ستارگان درخشان.	۵۰۰۰
۱۷	مؤدب پور، مرتضی (۱۳۹۵). شب پره‌ها. تهران: نیریز.	۵۰۰۰
۱۸	کاوه، رامین (۱۳۹۵). بمب، باران. تهران: اندیشه درخشان.	۴۰۰۰



## فهرست کتاب‌های ترجمه شده مورد مطالعه در حوزه ادبیات داستانی به ترتیب سال نشر

ردیف	اطلاعات کتابشناختی	شمارگان
۱	زیدان، جرجی (۱۳۹۰). <i>دل‌باختگان (عشقی بزرگ که در کویر نیرنگ‌ها می‌روید)</i> . ترجمه محمدعلی شیرازی. تهران: پل، خلاق	۵۰۰۰
۲	زیدان، جرجی (۱۳۹۰). <i>پویندگان عشق (اسرار قصرهای مخوف سلطان عبدالحمید)</i> . ترجمه محمدعلی شیرازی. تهران: پل، خلاق	۵۰۰۰
۳	زیدان، جرجی (۱۳۹۰). <i>سیاه جامگان (سرگذشت ابومسلم خراسانی)</i> . ترجمه محمدعلی شیرازی. تهران: پل، خلاق	۵۰۰۰
۴	کوندرا، میلان (۱۳۹۰). <i>کلیدداران</i> . ترجمه نفیسه موسوی. تهران: قطره	۵۵۰۰
۵	گروم، وینستوم (۱۳۹۱). <i>فارست گامپ</i> . ترجمه سمانه فلاح. تهران: طاهریان	۵۱۰۰
۶	اتریج، جان (۱۳۹۱). <i>آب‌های ناشناخته</i> . ترجمه علی اکبر فرهنگی. تهران: مکت نظر	۵۰۰۰
۷	سلینکو، آنهماری (۱۳۹۲). <i>دزیره</i> . ترجمه کیوان عبیدی‌آشتیانی. تهران: افق. جلد ۱	۱۲۰۰۰
۸	سلینکو، آنهماری (۱۳۹۲). <i>دزیره</i> . ترجمه کیوان عبیدی‌آشتیانی. تهران: افق. جلد ۲	۵۰۰۰
۹	هلف، کلود (۱۳۹۲). <i>لیخند ژوزفین: دفتر خاطرات لئونتا (۱۸۰۲)</i> . ترجمه گیتی دیهیم. تهران: محراب قلم.	۳۳۰۰
۱۰	تابوکی، آنتونیو (۱۳۹۳). <i>رکونیم (یک توهم)</i> . ترجمه شقایق شرفی. تهران: کتاب خورشید.	۵۰۰۰
۱۱	مونسو، کیم (۱۳۹۳). <i>چرا اینجا همه چی اینجوریه؟: دوازده داستانک</i> . ترجمه نوشین جعفری. تهران: مان کتاب.	۵۰۰۰
۱۲	پیکولت، جودی (۱۳۹۳). <i>گرگ تنها</i> . ترجمه مژگان دوانی‌پور. بوشهر: یمین و ثمین.	۴۰۰۰
۱۳	وایلد، اسکار (۱۳۹۴). <i>تصویر دوریان گری</i> . ترجمه علی‌اشرف کریمی. کرمانشاه: طاق بستان	۱۰۰۰۰
۱۴	وایلد، اسکار (۱۳۹۴). <i>تصویر دوریان گری</i> . ترجمه محسن سلیمانی تهران: افق.	۳۰۰۰
۱۵	گارسیا مارکز، گابریل (۱۳۹۴). <i>صد سال تنهایی</i> . ترجمه محمدصادق سبط‌الشیخ. تهران: تلاش	۳۰۰۰
۱۶	استون، اروینگ (۱۳۹۵). <i>عشق جاوید است</i> . ترجمه پرویز داریوش. تهران: گل آذین.	۱۰۰۰۰
۱۷	شلف، الیف (۱۳۹۵). <i>ملت عشق</i> . ترجمه ارسلان فصیحی. تهران: ققنوس.	۵۵۰۰
۱۸	هرابال، بوهمیل (۱۳۹۵). <i>تنهایی پرهیا هو</i> . ترجمه پرویز دوائی. تهران: پارس کتاب	۳۳۰۰